



عزت و ذلت آفرینی‌های زبان

احسان زاهری

(۱)

زاهری، احسان، ۱۳۳۶ -

عزت و ذلت آفرینی‌های زبان/مؤلف احسان

زاهری - قم: الطیبار، ۱۳۸۰.

۹۲ ص.

ISBN 964-9300-2-3 ریال ۴۰۰۰

فهرستتویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. زبان و اخلاق. ۲. اخلاق اسلامی. الف. عنوان.

۲۹۷/۶۳۴ BP۲۵۱/۲۶۴۳

کتابخانه ملی ایران ۸۰-۶۶م

محل نگهداری:

نام کتاب / عزت و ذلت آفرینی‌های زبان

مؤلف / احسان زاهری

ناشر / نشر الطیبار

حروفچین و صفحه‌آرا / حسین زاهری

چاپ اول پائیز ۸۰ - چاپ دوم زمستان ۸۱

چاپ / بهمن

تیراژ / ۳۰۰۰

قیمت / ۴۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۳۰۰۰-۲-۳

ISBN-964-93000-2-3

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

(۲)

«فهرست مطالب»

۱. جایگاه زبان در قرآن ۷۰۰
۲. زینت زبان ۱۱۰۰۰
۳. زبان و راستگویی ۱۵۰۰۰
۴. سلام، شعار زبان ۱۹۰۰۰
۵. فریاد اعضای بدن ۲۴۰۰۰
۶. زبان و غیبت ۲۶۰۰۰
۷. کمالات روح و جسم ۲۹۰۰۰
۸. بزرگترین گناهان ۳۳۰۰۰
۹. پادشاهی زبان ۳۵۰۰۰
۱۰. زبان و دروغ ۳۶۰۰۰
۱۱. زبان و امریہ معروف و نهی از منکر ۳۹۰۰۰
۱۲. زبان و اذان ۴۲۰۰۰
۱۳. زبان و صدقه ۴۴۰۰۰
۱۴. وحدت زبان ۴۶۰۰۰
۱۵. پستی زبان ۴۹۰۰۰
۱۶. انسان در گرو زبان ۵۰۰۰۰
۱۷. زبان مضموم ۵۱۰۰۰
۱۸. زبان ارزشمند ۵۳۰۰۰
۱۹. درندگی زبان ۵۵۰۰۰
۲۰. زینت انسان ۵۶۰۰۰

۲۱. ارتباط زبان با دل و ایمان ... ۵۸

۲۲. عذاب زبان ... ۶۰

۲۳. زبان و قساوت دل ... ۶۲

(۳)

۲۴. زبان و بهتان ... ۶۴

۲۵. وسعت حملات زبان ... ۶۶

۲۶. زبان و آسایش ... ۶۸

۲۷. فصاحت زبان ... ۷۰

۲۸. زبان و پشیمانی ... ۷۱

۲۹. حقوق زبان ... ۷۳

۳۰. سیره زبان ... ۷۶

۳۱. بسیاری دوستان ... ۷۸

۳۲. راه نجات ... ۷۹

۳۳. کلید خوبی‌ها و بدی‌ها ... ۸۱

۳۴. نقش زبان ... ۸۳

۳۵. زبان، سرچشمه بلاها ... ۸۶

۳۶. بهترین سرمایه انسان ... ۸۸

۳۷. سرچشمه گناهان ... ۸۹

۳۸. اثر لغزش زبان ... ۹۰

۳۹. زبان، عامل خون‌ریزی ... ۹۲

۴۰. جهاد زبان ... ۹۴

پیش‌سخن:

باسپاس الهی از بهر موری مردم در مدت کمتر از يك سال از این مجموعه ما را بر آن داشت، تا با ویرایش جدید و تجدید نظر، آن را آماده چاپ دوم نماییم تا در جهت رشد فرهنگ دینی جامعه گامی برداشته شود.

«احسان زاہری»

(۴)

آغاز کلام:

زبان، اساسی‌ترین عضو کشور وجود انسان است که عزت‌ها و ذلت‌ها در گرو اعمال آن است؛ چنان که عقل، مهم‌ترین عضو از جهت اندیشه، تفکر و اعتقاد است؛ حال چه زیبا و نیکوست که انسان برای پیشگیری و درمان امراض و آلودگی‌های زبان برنامه جامع و فراگیری داشته باشد. گاهی بدی‌های زبان، به صورت يك بیماری روانی در می‌آید و انسان را به دروغ و فحش و قسم‌های بیجا و بی‌عفتی معتاد می‌کند؛ به گونه‌ای که دنیا و آخرت او را تیره و تار ساخته، موجب سقوط او در عذاب دنیا و آخرت می‌شود. از طرف دیگر اگر بشر زبان را با تربیت و تعلیم؛ به درستی و صداقت، ذکر و تلاوت، حق و حقیقت، پیام‌رسانی شهیدان، امر به معروف و نهی از منکر مزین نماید؛ به عزت و شوکت، آبرو و مقامات قرب الهی می‌رسد.

نقش و جایگاه رفیع و بزرگ زبان در عزت آفرینی‌ها و هم‌چنین در سقوط انسان‌ها، نگارنده را بر آن داشت تا به گوشه‌ای از آیات و روایات در این موضوع، برای راهگشایی دنیا و آخرتی آباد، گذری کند.

این نوشتار را به ارواح مقدس انبیا، امامان علیهم‌السلام و شهیدان راه حق و فضیلت و روح امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مرحوم پدرم حاج احمد زاهری تقدیم می‌نمایم. والسلام

احسان زاهری ۱۳۸۰/۱/۲۳

(۵)

(۶)

فصل اول:

جایگاه زبان در قرآن

هرچیزی زینتی دارد، اما زیبایی زبان در جلوه‌گری خویش مزین شدن به تلاوت و صوت جلیّ قرآن شریف است، خالق‌ی که از مجموعه سلولهای گوشتی عضوی را آفریده که انسان با آن جهانی را اداره و آگاه می‌نماید و تمام بیانیها و امور با آن به انسان تفهیم می‌گردد.

آری؛ این قدرت و نشانه الهی است، که در اختلافات زبان و لهجه‌ها نمایانگر است.

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافُ اَللِّسَانِ وَالْوَاوِيكُم اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيٰتٍ لِّلْعٰلَمِيْنَ»^(۱) از نشانه‌های الهی، آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماس است. به درستی که در آن، نشانه‌هایی برای دانشمندان است.»

آری؛ نمود و نمایش قدرت الهی در کارهای زبان جلوه خاصی دارد. چقدر زیباست که انسان برای بیان حق، زبان فصیح و گویایی داشته باشد و با آن جامعه و مردم را از حقایق به‌رمنند سازد. و از آیات الهی که نشانه قدرت و عظمت خداوند است، به طور کامل قدرشناسی نماید.

«فَاِذَا بَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَيِّنَ بِهٖ الْمُتَّقِيْنَ وَنُنذِرَ بِهٖ قَوْمًا لَّدَا»^(۲) به درستی که

۱. روم (۳۰): ۲۲.

۲. مریم (۱۹): ۹۷.

(۷)

ما آن [قرآن] را به زبان تو آسان کردیم، تا با آن پرهیز کاران را نوید و مردم سستیزه جو را بیم دهی.»

«هَذَا لِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»؛^(۱) این (قرآن با) زبان عربی روشن [نازل شده] است؛ یعنی ابهام و اجمال ندارد و همه آن را می‌فهمند.

خداوند سبحان، زبان و دلب را که وسیله تعلیم و تعلم، و تفهیم و تفهّم است، از بهترین نعمت‌های خود قرار داد تا در جهت اهداف او به کار گرفته شود. در آیه دیگری می‌فرماید: زبان و گفتار، دل و اندیشه، و ایمان و عمل باید در یک جهت و در صف واحد الهی هدایت شوند تا همه برای خدا بگویند و عمل کنند، اگر آهنگ زبان با رفتار عملی انسان تفاوت کند، باید در انتظار خشم و عذاب الهی باشد؛ پس انسان برای نجات از مجازات خداوندی باید وحدت گفتار و اندیشه را پیشه نموده تا سعادت دنیایی و آخرتی‌اش تأمین گردد.

«أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ * وَ لِسَانًا وَ سَمْعَيْنِ»؛^(۲) آیا برای انسان دو چشم و یک زبان و دو لب قرار ندادیم؟

آری؛ ما این نعمت‌ها را به او ارزانی داشتیم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛^(۳) ای کسانی که ایمان آوردید! چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ این عمل نزد خداوند، بسیار موجب خشم، است که بگویید، آنچه را عمل نمی‌کنید.»

۱. نحل (۱۶): ۱۰۳.

۲. بلد (۹۰): ۹ و ۸.

۳. صف (۶۱): ۲ و ۳.

(۸)

زبان در قیامت بر رفتارهای ناپسند و عصیان و گناه در طول عمر انسان شهادت می‌دهد: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ آبْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛^(۱) روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاها به آن چه [انسان‌ها] عمل نموده‌اند، شهادت می‌دهند. بله، اعضای بدن به اذن الهی در قیامت و محضر خداوند، بر ضدّ انسان به سبب اعمالی که در دنیا انجام داده، گواهی می‌دهند.

در آیات دیگری از قرآن شریف، انبیای الهی، برای تبلیغ و بیان رسالت خداوندی، زبان راستگو و صادق، بیان روشن و فصیح، طلب می‌نمایند؛ بدین جهت، حضرت موسی زبان را بهترین وسیله تبلیغ و ارشاد و بیان مطالب حق در مقابل قدرت آن روز می‌داند، و عرض می‌کند: خدایا! بیان برادرم هارون از من زیباتر است. او را برای رسالت و وزارت و برادری من برگزین. نقش زبان در عزت آفرینی و احیای فرهنگ دینی و حق، بسیار عظیم و شریف است؛ البته اگر این عضو راه تخریب را که همان هجوم فرهنگی است، به پیماید، ضایعات سنگین فکری و عملی را بر جای می‌گذارد، جامعه و افراد را از مسیر حق و عدالت منحرف می‌سازد؛ لذا انسان باید از نعمت بزرگ بیان و زبان که خداوند آن را به انسان آموخت،^(۲) پاسداری و به بهترین صورت در جایگاه‌های مختلف از آن بهره‌برداری نماید.

«وَ أَجْعَلُ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛^(۳) [حضرت ابراهیم علیه‌السلام عرض می‌کند: خدایا!] برای من زبان صادق [و گویا] در میان دیگران قرار بده.»

«وَ اٰخُلُّ عَقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَقَعُّهَا قَوْلِي»؛^(۴) [حضرت موسی علیه‌السلام عرض می‌کند: خدایا!] گره از زبانتم بگشا تا سخنان مرا بفهمند.»

۱. نور (۲۴): ۲۴.

۲. «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» الرحمن (۵۵): ۴.

۳. شعراء (۲۶): ۸۴.

۴. طه (۲۰): ۲۷ و ۲۸.

«وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ»^(۱) [حضرت موسی علیه‌السلام عرض می‌کند: [سینه‌ام تنگ می‌شود، و زبانم آزاد و گویا نیست. هارون را رسالت بده]. یعنی به هارون جهت احیای دین و انجام مأموریت‌ها مسؤولیت کرامت بفرما، تا جهت زنده کردن دین کمک کاری برای من باشد.

«وَأَخِي هَرُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا»^(۲) و برادرم هارون، از جهت زبان از من فصیح‌تر است».

همه آیات بیانگر نقش اساسی عزت‌آفرینی زبان در جهت هدایت و رسیدن به اهداف عالی انسانی می‌باشد.

نکات آموزنده

۱. زبان از آیات و نشانه قدرت الهی است.
۲. اندیشه در آفرینش زبان موجب شناخت خداوند می‌گردد.
۳. زبان ابزار تبلیغ و بیان حقایق می‌باشد.
۴. زبان وسیله حس‌چشائی و بلعیدن و جابجائی غذا می‌باشد.
۵. زبان و عمل باید هماهنگ در جهت خدا باشند.
۶. سربازان وجودی انسان، از جمله زبان، گواهان روز قیامت هستند.

۱. شعراء (۲۶): ۱۳.

۲. القصص (۲۸): ۳۴.

فصل دوم:

زینت زبان

زبان نعمت بزرگی است که باید بوسیله آن صاحبش یاد گردد، این یادآوری موجب رشد و ترقی انسان و قدردانی از خالق و آفریننده او می‌باشد، یاد الهی بوسیله زبان، دل‌های بشر را از گناهان و بدی‌ها باز می‌دارد.

خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ^(۱) کسانی که ایمان آوردند و دل‌هایشان به ذکر الهی آرامش یافت».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»^(۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند را بسیار یاد کنید و شب و روز، او را تسبیح نمایید؛ یعنی در تمام احوال با همه وجود خویش یاد خدا باشید و او را از تمام عیب‌ها در بی‌نهایت منزه دانسته، احکام و واجبات، محرمات و مستحبات، مکروهات و تشریح و کتاب او را، هم‌چنان از عیب‌ها منزه بدانید. خود را به اسم‌ها و صفات نیکوی او متصف کنید، تا جلوه جمال جمیل او گردید: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^(۳) آگاه باشید که با یاد خدا، دل‌ها را آرامش بخشید».

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «الذِّكْرُ ذِكْرَانِ: ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِرًا»^(۴) ذکر الهی دو قسم

۱. رعد(۱۳): ۲۸.

۲. احزاب(۳۳): ۴۱ و ۴۲.

۳. رعد(۱۳): ۲۸.

۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۵.

(۱۱)

است: یکی ذکر خداوند، هنگام مصیبت، و [بهتر و] برتر از آن، یاد خداوند، هنگامی است که پروردگار، چیزی را بر تو حرام کرده است، تا آن ذکر، بین تو و حرام مانع شود». لذا یاد خدا انسان را از نافرمانیش حفظ می‌نماید.

انسان در تمام مراحل باید یاد خداوند باشد، زبانش بگوید. دلش باور کند. در رفتارش جلوه نماید و اخلاقی به آن اذکار الهی تربیت گردد.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم پرسیده شد: «أَيُّ الْعِبَادِ أَفْضَلُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟» (۱) کدام بندگان در روز قیامت، بهترین درجات را نزد خداوند دارند؟

حضرت فرمود: «الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ (۲) کسانی که خداوند را بسیار یاد می‌کنند.

راوی عرض کرد: ای رسول خدا! «وَمِنَ الْعَارِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (۳) آیا این‌ها از رزمندگان در راه خدا بالاترند؟

حضرت فرمود: «لَوْ صَرَبَ بِسَبِيلِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَيَخْتَصِبَ دَمَا لَكَانَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ أَفْضَلُ دَرَجَةً مِنْهُ»؛ (۴) اگر مجاهد با شمشیرش در میان لشکر کافران و مشرکان بجنگد، تا شمشیرش بشکند و از خون خضاب شود، کسانی که بسیار یاد خداوند می‌کنند، از جهت درجات بالاترند.

نخستین مرتبه ذکر، ذکر زبان است. باید آن قدر بگوید، تا دل باور کند؛ سپس تبدیل به اعتقاد درونی او گردد، تا رفتار و اخلاقش به آن ذکر رنگین و مزین گردد.

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوَارِثِ الَّتِي لَمْ تَعَيَّرْ»؛ (۵) در توراتی که تحریف نشده، نوشته شده است: «أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ: يَا

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵، ح ۴.

(۱۲)

رَبِّ أَقْرَبُ أَتَتْ مَتَّى فَأَنَابَكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأَنَادِيكَ»؛ (۱) همانا حضرت موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید، سپس گفت: ای پروردگار من! آیا به من نزدیکی تا با تو آهسته سخن بگویم، یا دوری که بلند صدایت زنم؟ «فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُوسَى أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي»؛ (۲) خداوند به او وحی نمود: ای موسی! من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

«فَقَالَ مُوسَى: قَمَنْ فِي سَبْتِكَ يَوْمَ لَا سَبْتُ إِلَّا سَبْتُكَ؟» (۳) حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پس چه کسی در پناه توست، روزی که پناهگاهی جز تو نیست؟

«فَقَالَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِي فَأَذْكُرُهُمْ وَيَتَحَابُونَ فِيَّ فَأَجِبُهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ؛^(۴) خداوند فرمود: کسانی که مرا یاد کنند، من هم آن‌ها را یاد خواهم کرد و کسانی که در مورد من محبت و دوستی می‌نمایند پس من هم آن‌ها را دوست می‌دارم. این‌ها کسانی هستند، که هر زمانی خواستم، به اهل زمین عذابی برسانم، آن‌ها را یاد می‌آورم و به خاطر وجود آن‌ها عذاب را از همه مردم دفع می‌کنم.»

نکات آموزنده

۱. از بالاترین اذکار الهی اقامه نماز است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛^(۵) نماز را بپا دارید، به درستی که نماز از زشتی‌ها و بدی‌ها نهی می‌کند و بزرگترین یاد خداوند است و خدا می‌داند آن چه عمل می‌نمایید». نمازهای واجب و نافله خصوصاً یازده رکعت نماز شب، کبریت احمر^(۶) است.

۲. بعد از نماز ترتیل و تلاوت و قرائت قرآن و فهمیدن و فهماندن و عمل

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. عنکبوت (۲۹): ۴۵.

۶. کبریت احمر به با ارزش‌ترین چیز اطلاق می‌گردد.

(۱۳)

نمودن به آن و سپس بیان و تبلیغ از کتاب آسمانی بهترین مصداق ذکر الهی است.

۳. تهلیل: لا اله الا الله، تحمید: الحمد لله، تسبیح: سبحان الله، تقدیس: قدوس گفتن، که از زبان تا اندیشه و از عقل تا دل را زنده نگه می‌دارد از مصداق بارز ذکر خداوندی است.

۴. ارتباط انبیا و چهارده معصوم علیهم السلام از مهم‌ترین اذکار الهی است که به انسان عروج و کمال می‌دهد.

(۱۴)

فصل سوم:

زبان و راستگویی

زیبایی و خوبی، راستی و درستی در اندیشه و عمل و گفتار را همه انسان‌ها دوست داشته و از آن قدرشناسی می‌نمایند، مردم راستگو را محترم و مورد تشکر و تمجید قرار می‌دهند، چون حسن صداقت و راستی از مواردی است، که عقل و وجدان و فطرت سالم بشری آن را تأیید و تجلیل می‌نمایند.

آراستگویی از دیدگاه قرآن

خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»^(۱) «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»^(۲) چه کسی راستگوتر از خداوند از جهت سخن و گفتار است.»

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ [خدایا!] ما را به راه راست هدایت فرما؛ راه کسانی که به آن‌ها نعمت دادی.»

«الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ»^(۳) کسانی که خداوند به آنها نعمت داده، انبیا، راستگویان، شهیدان و صالحان هستند».

«لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ»^(۴) خداوند راستگویان را برای صداقتشان پاداش می‌دهد».

۱. نساء(۴): ۸۷.

۲. همان، ۱۲۲.

۳. همان، ۶۹.

۴. احزاب(۳۳): ۲۴.

(۱۵)

نکات آموزنده

۱. خداوند اولین و آخرین راستگویان و معلم اصلی صداقت به بشر است.
۲. باید توجه داشت که راستگویی در تمام ابعاد وجودی، درونی و برونی و اعتقادی و عملی، انسان را در ردیف انبیا و شهیدان راه حق و فضیلت قرار می‌دهد.
۳. انسانی که در هر شبانه روز، ده مرتبه به صورت يك عمل واجب در نماز از خداوند هدایت به راه راستگویان را درخواست می‌کند، رفتار عملی او هم باید این گونه باشد.
۴. اگر انسان دروغ بگوید، در خواست او در نماز صادقانه نبوده، به دروغ گفتن در محضر الهی منجر می‌گردد.
۵. کسانی که با پروردگارشان معامله می‌کنند، ضرر نکرده؛ بلکه بهترین سود دنیایی و آخرتی نصیب آنها می‌شود.

تأجیگاه صداقت در روایات

- حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ صَدَقَ لِسَانَهُ رَكَى عَمَلُهُ»^(۱) کسی که زبانش راست بگوید، عملش پاک می‌گردد».
- حضرت فرمود: «يا فَضِيلُ إِنَّ الصَّادِقَ أَوْلَىٰ مَنْ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»^(۲) ای فضیل! همانا راستگو، نخستین کسی است که خداوند عزیز و بزرگ او را تصدیق می‌کند».
- راوی می‌گوید: نخستین باری که خدمت حضرت امام باقر علیه‌السلام رسیدم، فرمود: «تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ»^(۳) قبل از سخن گفتن راستگویی را بیاموزید».

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲. همان، ج ۶.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۴.

(۱۶)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا يَصْدَقُ الْحَدِيثَ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ»^(۱) به درستی که خداوند عزیز و جلیل، انبیا را به رسالت مبعوث نفرموده؛ مگر به سبب راستی در گفتار و ادای امانات به خوبان و بدان».

حضرت همچنین فرمود: نباید به رکوع و سجود طولانی مرد نگاه کنید. همانا او به این عمل عادت کرده است و اگر این عادت را رها کند، وحشت می‌کند؛ بلکه به راستی در سخن و ادا امانت او بنگرید.

نکات آموزنده

۱. زبان خوب و راستگو، رفتار انسان‌ها را از بدی‌ها پاک می‌کند.
۲. خوبی انسان‌های راستگو در محضر الهی به آنجا می‌رسد که نخستین افراد مورد تأیید او هستند.
۳. زیر بنای همه علوم و سخنان، راستگویی و صداقت است.
۴. علوم و ارزش‌های انسانی، با دروغ، ضایع و بی ارزش می‌شود.
۵. هدف از بعثت انبیای الهی، حاکمیت صداقت و حفظ امانت در جامعه انسانی است.
۶. امانت، به اشیا و اموال مردم منحصر نمی‌شود؛ بلکه عمر انسان و دین، قرآن و مقدّسات، سلامت جسم و روح همه امانات الهی‌اند.
۷. عبادت ظاهری، ملاک شناخت انسان نیست.
۸. میزان و ملاک شناخت مردم، در صداقت و درستی و امانتداری آن‌ها است.
۹. مردم را با راستگویی و حفظ آبرو و امانتداری، بیازمایید.
۱۰. راستی و صداقت، اعتماد عمومی جامعه را تأمین می‌کند.
۱۱. ثبات ایمان و لذت عبادت در گرو راستی و صداقت است.

۱. همان، ج ۳، ح ۱.

(۱۷)

۱۲. زیر بنای همه آموزش‌ها، تربیت شدن به راستی و صداقت از جهت فکری و اعتقادی، ظاهری و باطنی، عملی و لفظی، در درون و برون است. وگرنه انسان دو چهره خواهد شد، که از اوصاف منافقین است، پس باید زبان و دل، اعتقاد و اندیشه همه در یک جهت سخن بگویند.

(۱۸)

فصل چهارم:

سلام، شعار زبان

تاسلام در قرآن

سلام و احترام متقابل لفظی و عملی را همه انسان‌ها دوست دارند و از آن پاسداری می‌نمایند، زیرا از فطرت انسانی سرچشمه گرفته است.

لذا اسلام در کتاب آسمانی و امامان در روایات، بصورت وسیعی این امر اخلاقی، اجتماعی را مطرح نموده‌اند و فضیلت بسیار آن را انگیزه‌ایی برای زنده نمودن آن در ابعاد مختلف قرار داده‌اند.

«وَ إِذَا حُيِّئْتُمْ بِتَجِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا؛^(۱) زمانی که شما مورد احترام و سلام قرار گرفتید، بهتر از آن را پاسخ دهید یا مانند آن را برگردانید».

«وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ؛^(۲) [ای رسول خدا!] هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آمدند، به آن‌ها بگو: سلام بر شما».

«تَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ؛^(۳) اصحاب اعراف به اهل بهشت ندا می‌دهند که سلام بر شما».

«وَ تَجِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ؛^(۴) و درود مؤمنان در بهشت، سلام است».

«وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى قَالُوا سَلِمًا قَالَ سَلْمٌ؛^(۵) فرستادگان ما

۱. نساء(۴): ۸۶.

۲. انعام(۶): ۵۴.

۳. اعراف(۷): ۴۶.

۴. یونس(۱۰): ۱۰.

۵. هود(۱۱): ۶۹.

(۱۹)

[فرشتگان الهی] برای بشارت نزد حضرت ابراهیم علیه‌السلام آمدند، گفتند: سلام و حضرت فرمود: سلام».

«وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛^(۱) ملائکه از هر دربی بر آنان بهشتیان وارد می‌شدند [می‌فرمودند: سلام و درود بر شما به آن چه صبر کردید زیباست آن سرای جاودان آخرت».

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛^(۲) انسان‌های مؤمن و پاکی را که ملائکه قبض روح می‌نمایند، به آن‌ها خطاب می‌کنند: سلام و درود بر شما، وارد بهشت شوید، با اعمالی که انجام داده‌اید».

«وَ سَلَامٌ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ مَمُوتِي وَ يَوْمَ أُبْعِثُ حَيًّا؛^(۳) سلام بر او [حضرت یحیی علیه‌السلام] روزی که متولد شد و زمانی که می‌میرد و زمانی که مبعوث به رسالت می‌گردد».

«وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ مَمُوتِي وَ يَوْمَ أُبْعِثُ حَيًّا؛^(۴) [حضرت عیسی علیه‌السلام می‌فرماید: سلام بر من، روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده مبعوث می‌شوم».

«سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّي رَحِيمٌ؛^(۵) سلام کلامی از جانب پروردگاری بخشنده و مهربان است».

«سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛^(۶) سلام بر موسی و هارون. همانا ما این گونه به نیکوکاران پاداش می‌دهیم».

«وَ سَيَقَى الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَ

۱. رعد(۱۳): ۲۳ و ۲۴.

۲. نحل(۱۶): ۳۲.

۳. مریم(۱۹): ۱۵.

۴. مریم(۱۹): ۳۳.

۵. یس(۳۶): ۵۸.

۶. صافات(۳۷): ۱۲۰ و ۱۲۱.

(۲۰)

قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ؛^(۱) کسانی که تقوای الهی پیشه کردند، به صورت گروهی به سوی بهشت حرکت داده می‌شوند. زمانی که به بهشت رسیدند و درب‌های آن باز شد، مأموران بهشتی به آن‌ها می‌گویند: سلام بر شما [خوش آمدید. خوشا به حال شما] گوارای وجودتان. برای همیشه به صورت جاودانه به بهشت داخل شوید».

«فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ؛^(۲) سلامی برای تو از یاران دست راست».

نکات آموزنده

۱. سلام، شعار اسلام و مسلمانان در قرآن است.

۲. سلام، امر الهی به پیامبر و امت اوست.

۳. آوای زبان در معاشرت‌ها و برخوردهای انسانی و اجتماعی سلام است.

۴. شعار آسمانیان و ملائکه و سفیران الهی سلام است.

۵. سلام، شعار انبیا و رهبران الهی است.

۶. صبر و مقاومت در راه خدا و عمل به قرآن و دین، موجب ورود به بهشت و درود خداوند و مأموران الهی می‌شود.

۷. سلام، شعار خداوند بر انسان‌ها در همه احوال از تولد تا مرگ و روز قیامت و بهشت است.

۸. سلام، شعاری از انسان به خود او است.

۹. سلام، شعار مأموران قبض روح مؤمنان است.

۱۰. تمام گروه‌ها به یک دیگر سلام می‌کنند.

۱۱. در بدو ورود همه باید سلام کنند و این شعار بسیار متین و عالی را حفظ نمایند.

۱. زمر(۳۹): ۷۳.

۲. واقعه(۵۶): ۹۱.

(۲۱)

آنجاگاه سلام در روایات

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتَكُمْ فَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا فَإِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا سَلَّمَ أَحَدَكُمْ لَمْ يَدْخُلْ مَعَهُ فِي بَيْتِهِ»^(۱) زمانی که به خانه‌هایتان وارد شدید، به اهل آن سلام کنید. وقتی یکی از شما سلام کند، بدستی که شیطان با او وارد خانه‌اش نمی‌گردد».

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيَسَلِّمْ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ الْبَرَكَةَ وَ تُؤْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ»^(۲) وقتی یکی از شما داخل منزلش شد، باید سلام کند. به بدستی که سلام برکت می‌آورد و انس با ملائکه را به همراه دارد».

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَدَلُ السَّلَامِ وَ حُسْنُ الْكَلَامِ»^(۳) همانا از عوامل آمرزش، سلام کردن و زیبا و نیکو سخن گفتن است».

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَخْلَاقِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَقَالَ: إِفْشَاءُ السَّلَامِ فِي الْعَالَمِ»^(۴) آگاه باشید. آیا شما را به بهترین اخلاق اهل دنیا و آخرت آگاه سازم؟ گفتند: بلی ای رسول خدا. حضرت فرمود: اظهار سلام در جهان».

نکات آموزنده

۱. شعار ورودی هر مکانی سلام است.

خیر و سعادت آرد
بهتر ز هر کلام است

۲. سلام عزت آرد
شعار دین سلام است

۳. سلام، ذکری است که شیطان را طرد می‌کند.

۴. سلام، امر خدا و رسول و امامان علیهم السلام است.

۱. المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۷.

۳. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱.

۴. همان، ج ۷۶، ص ۱۲.

۵. سلام، رحمت و برکات الهی را در پی دارد.

۶. انس با عرشیان و فرشتگان در گرو زنده نمودن شعار سلام است.

۷. سلام موجب آمرزش گناهان می‌گردد.

۸. بهترین کرامت اخلاقی در دنیا و آخرت سلام است.

فریاد اعضای بدن

همیشه در امور کارها علت اساسی با عوامل جنبی بسیار متفاوت است، در بحث علت و اسباب گناه و تخلفات انسان از جهات عقلی و شرعی و اجتماعی، اگر جستجو و تحقیق شود، زبان بعنوان رکن و ابزار اصلی سبب گناهان شمرده می‌شود، در این صورت لازم است، این عضو به نحو مطلوبی مهار و کنترل گردد، تا اینکه اعضای دیگر را به فساد و تباهی نکشاند.

حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ يَقُولُ: كَيْفَ أَصَبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: يَخَيْرُ إِنْ تَرَكَتْنَا، وَ يَقُولُونَ: اللَّهُ اللَّهُ فَيَتَا وَ يُتَاشِدُونَ وَ يَقُولُونَ: إِنَّمَا نُنَابُ وَ نُعَاقِبُ بِكَ؛^(۱) به درستی که زبان فرزند آدم، بر تمام اعضای بدن اشراف دارد و هر روز صبح خطاب به همه جوارح می‌گوید: چگونه صبح کردید؟ همه می‌گویند: ای زبان اگر ما را به حال خود واگذاری حال ما خوب است، می‌گویند: به خدا قسم، به خدا قسم؛ ما را مراعات کن و به او قسم می‌دهند و می‌گویند: به وسیله اعمال و رفتار [تو] ثواب می‌بریم و عذاب می‌شویم».

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ كُلُّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَاءِ الْجَسَدِ يُكْفِّرُ اللِّسَانَ يَقُولُ: تَشَدُّتُكَ اللَّهُ أَنْ نُعَذِّبَ فِيكَ؛^(۲) در تمام روزها، همه اعضای بدن در مقابل زبان کفاره می‌دهند. تواضع می‌کنند و می‌گویند: ای

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۷، ح ۱۳.

۲. همان، ص ۱۷۶، ح ۱۲.

(۲۴)

زبان تو را به خداوند سبحان قسم می‌دهیم؛ از این که با اعمال و سخنان تو عذاب شویم.»

نکات آموزنده

۱. اگر اعضای دیگر بدن برایشان سختی و ناراحتی پیش آید، به سبب زبان است.
۲. همه اعضای بدن به سبب زبان و اعمال او در خطر و عذاب دنیایی و آخرتی قرار می‌گیرند.
۳. همه اعضای بدن با زبان حال و قال می‌گویند: ای زبان! تجاوز و طغیان را کنار بگذار که دودش به چشم ما می‌رود.
۴. قدرت و حکومت ستمگرانه زبان به نحوی است که همه، اعضای بدن خود را در خطر می‌بینند. زبان بد طاعت کشور تن است.
۵. زبان، همانند سلطان و فرماندهی است که به سربازان خود فرمان می‌دهد، یا سرچشمه‌ایی است که زلال بودن و گل آلود شدن آب توسط آن محقق می‌گردد.
۶. همه سربازان این کشور فرمانده کل قوا را قسم می‌دهند، به ما امان‌نامه بده و تصمیم بگیر ما را آزار ندهی، به عذاب‌ها و دردسرهای دنیا و آخرت گرفتار ننمائی، آب زمزم حیات را برای حفظ ما آلوده مگردان.
۷. عزت و ذلت، دنیا و آخرت اعضای بدن، به اعمال و رفتار زبان بستگی دارد. اگر رستگار و پیروز شویم یا ذلیل و خوارگردیم، عاملش زبان است.
۸. حکومت عادلانه زبان در انسان‌های عارف و پرهیزکار به گونه‌ای است، که همه اعضای بدن احساس آرامش و آسایش می‌کنند.

دگر عضوها را نماند قرار

چو عضوی به درد آورد روزگار

(۲۵)

زبان و غیبت

راستی چگونه شده است، که همه مردم دوست ندارند، دیگران غیبت آنان را بنمایند، ولی خودشان شیرینی مجالس را همان غیبت‌ها و لهو و لغوها قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد، انسان در زمان سرور و خوشحالی و گرم نمودن مجلس‌های از اندیشه و تقوا را از دست می‌دهد، شیطان و غیر خدا بر نفس و عقل انسان حاکم می‌شود، سپس انجام گناه عادی گشته، و انسان احساس زشتی گناه را از دست می‌دهد، درباره اثرات تخریبی غیبت در دنیا و آخرت و عذاب‌های آن روایات بسیار است، ولی ما در اینجا با اشاره می‌گذریم.

آ غیبت^(۱): بازگفتن و اظهار آن چه در انسانی وجود دارد؛ ولی بر دیگران پوشیده است. حکم حرمت آن زمانی است که غیبت شونده راضی نباشد، که در این صورت گناه کبیره محقق می‌گردد.

«و لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا فَكَرَهُتُمُوهُ»^(۲) بعضی از شما انسان‌ها، نباید از دیگران غیبت کنند. آیا یکی از شما دوست دارند که گوشت برادر مرده خود را بخورند؟ پس شما آن را ناخوشایند می‌شمارید». حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «الْغَيْبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ»^(۳) غیبت آن است که درباره برادرت آن چه را خداوند پوشانده

۱. بحث غیبت در کتاب اندیشه‌های حسینی.

۲. حجرات (۴۹): ۱۲.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۶۲.

(۲۶)

است، بگویی و اظهار کنی».

حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود: «الْغَيْبَةُ جَهْدُ الْعَاجِزِ»^(۱) غیبت کردن تلاش انسان ناتوان است». ناتوانی يك نقص است که موجب گناه و عیب‌های دیگر می‌گردد.

آموارد استثنایی غیبت

۱. مشورت برای ازدواج یا استخدام و امثال این‌ها.

۲. کسی که فسق و بدی او آشکار است و خودش هم باکی از اظهار آن ندارد.

۳. احقاق حق و شهادت دادن.

۴. کسی که به او ستم شده و می‌خواهد داد خواهی کند. از ظلم و ستم ظالم سخن می‌گوید.

۵. در موارد استثنا شده، فقط ذکر گفتنی‌هایی که هدف را تأمین می‌کند، جایز و بقیه حرام است.

نکات آموزنده

۱. غیبت گناهی است که با زبان یا اشارات و یا نوشتار محقق می‌شود، که از عمل فحشا گناهِش بالاتر است.

۲. در غیبت چون افراد در جلسه حاضر نیستند، توان دفاع از خویشان را ندارند.

۳. غیبت عملی خلاف طبیعت نیکوی انسان است، همان گونه که خوردن گوشت مرده مورد تنفر می‌باشد.

۴. انسان باید چون خداوند پوشنده عیب‌ها باشد، که این از اسم‌ها و صفات زیبای الهی است.

۱. نهج البلاغه، قصار، ش ۶۱.

(۲۷)

۵. کسانی که افشاکننده عیب‌ها و گناهان مردم هستند، خداوند در قرآن به آن‌ها بشارت عذاب دردناک می‌دهد.

(۲۸)

فصل هفتم:

کمالات روح و جسم

حفاظت از ارزش‌ها و نعمت‌ها، از کشور و اموال و جان‌ها بعنوان اصلی است که همه مردم و دولت‌ها و ملت‌ها برای آن سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی وسیعی جهت اجرای آن دارند، زیرا در صورت عدم نگهداری و مهار نمودن ضایعات و تخریب آن قابل جبران نمی‌باشد، یکی از موارد مهم حفاظتی که حضرت نبی گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هشدار می‌دهند، حفاظت زبان از تخریب‌گری بعنوان پیش‌گیری و درمان می‌باشد.

«جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْصِنِي، فَقَالَ: إِحْفَظْ لِسَانَكَ - قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ: إِحْفَظْ لِسَانَكَ، وَبِحَاكٍ وَهَلْ يَكْبُ النَّاسَ عَلَى مُنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؛^(۱) شخصی خدمت حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و عرض کرد: به من سفارشی کن. حضرت فرمود: زبان‌ت را حفظ کن. برای مرتبه دوم گفت: مرا سفارشی بفرما. فرمود زبان‌ت را حفظ کن. برای مرتبه سوم آن مرد گفت: مرا سفارشی بنما. حضرت فرمود: زبان‌ت را حفظ کن. وای بر تو! آیا مردم از صورت در آتش جهنم پرتاب نمی‌شوند؟ مگر به سبب آن چه زبان‌های آن‌ها چیده، درو کرده و عمل نموده است.»

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُعَيَّلًا عَلَى شَأْنِهِ، حَافِظًا لَلِلسَانِ؛^(۲) در حکمت خاندان حضرت

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۷، ح ۱۴.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۸، ح ۲۰.

(۲۹)

داود علیه‌السلام آمده: بر اهل اندیشه است که زمان خود را بشناسد. مشغول کار خود باشد و در حد شأن خود زندگی کند. زبان‌ش را [در جهت رسیدن به منافع دنیا و آخرتش] حفظ نماید.»

حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود: «مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ؛^(۱) کسی که زبان‌ش را [از سخنان بی‌جا و باطل] حفظ کند، خداوند عیب‌های او را می‌پوشاند.»

«مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ أَكْرَمَ نَفْسَهُ؛^(۲) کسی که زبان‌ش را [از کلام غیر منطقی و باطل] حفظ کند، خودش را بزرگوار و اهل کرامت قرار داده است.»

«حِفْظُ اللِّسَانِ وَ بَدْءُ الْأَخْسَانِ مِنْ أَفْضَلِ الْقَضَائِلِ؛^(۳) حفظ زبان [از سخنان بی‌جا] و نیکی کردن از بالاترین فضیلت‌های [انسانی] است.»

«صِلَاحُ الْأَنْسَانِ فِي حَبْسِ اللِّسَانِ»؛^(۴) مصلحت انسان [در دنیا و آخرت و در مسایل سیاسی، اخلاقی و اجتماعی] در [گرو] مهار نمودن زبان است».

حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ فِي حِفْظِ اللِّسَانِ»؛^(۵) سلامت انسان در حفظ زبان است».

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «النُّطْقُ رَاحَةٌ الرُّوحِ وَ السُّكُوتُ رَاحَةٌ الْجَسَدِ»؛^(۶) سخن گفتن، موجب آرامش روح انسان و سکوت موجب آرامش جسم انسان است».

نکات آموزنده

۱. حفظ زبان، انسان را از تمام شرارت‌ها و بدی‌های دنیا و آخرت ننگه می‌دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۳.

۲. غرر الحکم، ح ۴۱۸۹.

۳. غرر الحکم، ح ۴۱۸۱.

۴. همان، ح ۴۰۵۴.

۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۶.

۶. همان، ص ۲۷۶.

(۳۰)

۲. اگر زبان حفظ نشود، انسان از جهات مختلف در خطر است و در نهایت ذلت و پستی سقوط می‌کند.

۳. سه مرتبه تکرار حضرت، در مورد اهمیت حفظ زبان دلالت مهمی بر نقش تقوای زبان برای رسیدن به عزت‌های انسانی دارد.

۴. همه سفارش‌ها در جهت کنترل زبان و مهار آن برای رسیدن به خوبی‌های دنیا و آخرت است.

۵. انسان باید به زمان خود از جهات اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، حکومتی و... آگاه باشد.

۶. کسانی که با توجه به زمان و مکان و شخصیت خود سخن می‌گویند، ارزش و قدر زبان را پاسداری نموده‌اند.

۷. انسان‌های جاهل، بی معرفت و بیکار نمی‌توانند، نجات بخش خود و دیگران و حتی خانواده خویش باشند.

۸. چون زبان با سخنان ناروا و بی‌جا فسادگری و تخریب می‌کند، مصلحت انسان از جهت سلامت روحی و جسمی، عقلی و قلبی و جانی و مالی در دنیا و آخرت در گرو حفظ زبان از شرارت‌ها، بدی‌ها و گناهان است.

۹. عقده‌های دل، با سخن گفتن خارج می‌شود و انسان احساس سبکی و آرامش می‌کند و اگر آن چه را در دل دارد، نگوید، موجب ناراحتی روحی می‌گردد.

۱۰. گاهی سخنان نابجای زبان موجب جنگ و ستیز شده، جسم و روح را با مشکلات گوناگون مواجه می‌نمایند.

۱۱. زبان باید مهار شود تا سعادت و تعالی انسانی را تأمین گردد.

فصل هشتم:

بزرگترین گناهان

از آنجاکه بشر دوست دارد، کارها و اندیشه‌اش درست باشد، از جهت وجدان و عقل سلیم، آفرینش و عرف اشتباه و خطا را مذموم و يك عیب و نقص برای خویش پنداشته و باور دارد، که دوری از آنها تأمین کننده موفقیت‌های او می‌گردد.

لذا انسان برای پیروزی خود در همه جهات باید اساس اشتباهات و عامل همه خطاها را سرکوب و کنترل نماید، تا در این موارد کمبودها کاهش و ضریب ترقی و رشد بشر افزایش یابد.

در فرمایشات حضرت امام علی علیه‌السلام آمده است: «أَعْظَمُ الْخَطَايَا عِنْدَ اللَّهِ ۖ اللِّسَانُ الْكُذُوبِ»^(۱) به درستی که بزرگترین خطاها [و گناهان] نزد خداوند، زبان دروغگو می‌باشد.

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ»^(۲) بیش‌تر خطاهای فرزند آدم [ابوالبشر] در زبان اوست.

«أَعْظَمُ النَّاسِ خَطَاءً يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ خَوْضًا فِي الْبَاطِلِ»^(۳) خطاکارترین مردم در روز قیامت، آن‌هایی هستند که بیش‌تر در باطل فرو رفته‌اند.

نکات آموزنده

۱. بیش‌تر گناهان انسان که موجب تحقیر، خواری و پستی او در دنیا و

۱. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۲۴۳.

۲. همان، ۱۹۴.

۳. همان، ص ۲۰۷.

آخرت می‌شود، از ناحیه زبان است.

۲. پل رسیدن به کرامت انسانی، حفظ زبان از عصیانگری و طغیانگری است.

۳. برای رسیدن به فضیلت‌های عالی بشری باید زبان را مهار و آزادی بی قید و شرط را از او سلب کرد.

۴. اگر عامل بزرگترین خطاها ریشه کن شود، گناهان کوچک و اشتباهاتی که از آن سرچشمه می‌گیرد، از بین می‌رود.

۶. زبانی که به صداقت و درستی مزین گردد، غیبت‌ها، دروغ‌ها، سخن چینی‌ها، فحش‌ها، و... از آن ریشه کن می‌گردد.

پادشاهی زبان

بزرگی و بزرگ منشی را همه انسان‌ها دوست می‌دارند، مگر عارفان طریق حق و حقیقت، اینان به جایی می‌رسند، که مردم آنان را بزرگ شمرده ولی خویشان را کوچک می‌شمارند، سرانجام مردم ولایت و حکومت خویش را به کسانی می‌سپارند، که از مسیر زبان الهی با آنان سخن می‌گویند.

حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود: «مَنْ عَلَّمَ لِسَانَهُ أَمْرَهُ قَوْمَهُ؛^(۱) کسی که زبانش را آموزش دهد، طایفه‌اش، او را حاکم و امیر خویش قرار می‌دهند».

نکات آموزنده

۱. زمانی که زبان آگاهانه سخن بگوید، انسان را به پادشاهی می‌رساند.
۲. تربیت زبان، انسان را به مقامات و کرامت‌های دنیا و آخرت می‌رساند.
۳. خوش‌زبانی، زیبا و منطقی سخن گفتن، اعتماد عمومی را برای انسان جلب می‌نماید.
۴. هر عمل زیبا و صحیحی نیازمند به آموزش و کاربرد مناسب دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۶.

(۳۴)

زبان و دروغ

زشتی دروغ گفتن، از مواردی است که اندیشه‌ها، دل‌ها و وجدان‌های سالم آن را تأیید می‌نماید، کسی یافت نمی‌شود، که دروغ را نیکو بداند، مگر به ظاهر منافع خویش توجه کند، یا برای دفع و رفع ضرر بالاتر این عمل تنفرآمیز را مرتکب گردد. این مصلحت هم دروغ را از قباحت ذاتی آن خارج نمی‌نماید، بلکه عقل بخاطر اضطراش حکم به جواز این عمل می‌نماید.

تَأْتِرَانِ وَ دَرُوعِ

خداوند سبحان در قرآن شریف برای نکوهش و سرزنش انسان‌های دروغگو، سیزده مرتبه فرموده: «وَبَلِّغِ لِلْمُكَذِّبِينَ؛^(۱) وای بر دروغ‌گویان».

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ؛^(۲) خداوند، انسان‌های اسراف‌کننده دروغگو را هدایت نمی‌کند.»؛ پس آنان در پوشش هدایتی خداوند قرار نگرفته و از نعمت ارشاد او بهره‌مند نمی‌گردند.

خداوند چندین مرتبه در قرآن امر فرموده: «تَمَّ أَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ؛^(۳) پس سرانجام اِکَر و رفتار و زندگی و اندیشه دروغ‌گویان را بازنگری و تجزیه و تحلیل کنید، که چگونه شدند»؟

لذا باید تاریخ طاغوت‌ها، فرعون‌ها، نمرودها، اموی‌ها و منافقان که مصداق دروغ‌گویانند. مورد بررسی قرار داده و از فرازهای آن جهت هدایت

۱. مرسلات (۷۷): ۱۵.

۲. غافر (۴۰): ۲۸.

۳. انعام (۶): ۱۱.

(۳۵)

جامعه و مردم بهره‌مند گردید. خداوند بارها در قرآن درباره کسانی که کتاب‌های آسمانی، انبیا و حق و عدل را تکذیب کرده، و مورد بهتان قرار داده‌اند، فرموده: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا؛^(۱) کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند. هم نشین آتش جهنم هستند و در آن جاودانه‌اند».

تأروایات دروغ

حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مِفَاتِحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ، وَ الْكِذْبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ؛^(۲) همانا خداوند عزیز و جلیل برای بدی‌ها و شرارت‌ها قفل‌هایی قرار داده، و کلیدهای آن‌ها را شراب قرار داد، و دروغ گفتن از شراب خواری بدتر است».

حضرت فرمود: «إِنَّ الْكِذْبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ؛^(۳) به درستی که دروغ، خراب کننده ایمان انسان است».

از سخنان امیر مؤمنان علیه‌السلام است که فرمود: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعَمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتَرَكَ الْكِذْبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً؛^(۴) بنده‌ای طعم [و لذت] ایمان را نمی‌چشد؛ مگر این که دروغ شوخی و جدی را ترک کند».

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ مَنْ كَثَرَ كِذْبُهُ ذَهَبَ بَهَاؤُهُ؛^(۵) حضرت عیسی علیه‌السلام فرمود: کسی که دروغش زیاد شود، [آبرو و] ارزشش از بین می‌رود».

نکات آموزنده

۱. در جهنم منطقه‌ای به نام «ویل» وجود دارد و دروغ‌گویان در آن جا جای دارند.

۱. تغابن (۶۴): ۱۰.

۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۳۷.

۵. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۸.

(۳۶)

۲. دروغ‌گویان با عذاب الهی هم‌نشین هستند.

۳. دروغ‌گویان، توفیق هدایت الهی را نمی‌یابند.

۴. دروغ، شخصیت انسان را در تمام ابعاد حقوقی و اعتقادی دگرگون می‌سازد.

۵. دروغ اعتماد عمومی را در جامعه از بین می‌برد.

۶. دروغ سبب و علت ورود به همه بدی‌ها است.

۷. خروج از دروغ، سر فصل ورود به همه خوبی‌ها و آرامش روانی است.

۸. ثبات ایمان و لذت عبادت با دروغ ضایع می‌شود.

۹. باید راه‌های عملی حق و باطل را در تاریخ مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و بهترین آن‌ها که حق و صداقت است، جهت شرافت انسان برگزیده شود.

(۳۷)

فصل یازدهم:

زبان و امر به معروف و نهی از منکر

معروف به کارهای شناخته شده‌ایی می‌گویند، که در جهت فطرت، عقل و وجدان سالم، بلکه در مسیر اجرای دستورات واجب و مستحب الهی باشد، منکر به کارهای زشتی که گناه بوده، بلکه مخالف فطرت و آفرینش انسان می‌باشد، اطلاق می‌گردد.

یکی از موارد عزت آفرینی زبان، زنده کردن معروف و مطرود نمودن منکر است. در بیانات امامان معصوم علیهم‌السلام این عمل از آن چه خورشید بر آن می‌تابد، بالاتر، و آن را قطره‌ای در مقابل دریا بیان کرده‌اند یا اعمال دیگر را کف روی آب و این دو واجب الهی را اصل آب و دریا بیان داشته‌اند.

زیارت‌نامه‌های انبیا، اولیا، امامان هدایتگر، سیره عملی آنان، اهداف مقدسشان، جهاد و شهادتشان، بیانگر زنده کردن دو اصل امر به معروف و نهی از منکر بوده، در مسیر احیای آن، جان‌ها و ثروت‌های بسیاری فدا شده است. بیاییم از این نعمت بزرگ الهی برای خود و جامعه به بهترین صورت بهره‌برداری کنیم: خداوند در قرآن می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^(۱) شما بهترین امتی بودید که برای مردم خارج شدید. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خداوند ایمان دارید».

۱. آل عمران (۳): ۱۱۰.

(۳۸)

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^(۱) باید از میان شما گروهی دعوت به خیرات نمایند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و اینان رستگارانند».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^(۲) [لقمان به فرزندش می‌گوید: ای فرزندم! نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما]».

حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٌ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَإِنَّهُمَا لَا يُقَرَّبَانِ مِنْ آخِلٍ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ»^(۳) همانا امر به معروف و نهی از منکر دو خوی الهی هستند و آن دو، مرگ را نزدیک نمی‌کنند و روزی را ناقص نمی‌نمایند».

«فَمَنْ تَصَرَّ هُمَا آعَزَهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَدَلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ»^(۴) کسی که این دو رکن را یاری کند، خداوند او را عزیز می‌نماید و کسی که این دو را دلیل کند، خداوند او را خوار می‌سازد».

خطاب به خداوند آمده: «یا اَیْمُرُ یا ناهِی؛ ای خدایی که امر کننده و نهی کننده هستی». پس انسان در عمل به این دو واجب خداوند، به اوصاف و کمالات الهی زینت می‌یابد.

نکات آموزنده

۱. بهترین ملت‌ها و مردم کسانی هستند، که بر باطل اعتراض و در جهت ریشه نمودن آن اقدام کنند.
۲. بهترین گروه‌ها کسانی‌اند، که به خوبی‌ها امر و آن‌ها را زنده کنند.
۳. پیروزی و عزت از مردمی است که دو اصل حیات بخش امر به معروف و نهی از منکر را زنده کنند.
۴. راستی امر به معروف و نهی از منکری که اولیای الهی در راه آن جان‌ها

۱. همان، ۱۰۴.

۲. لقمان (۳۱): ۱۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۴. مشکات الانوار، ص ۱۳۱.

(۳۹)

فدا کردند، بدون جهادِ زبان، محقق نمی‌شود و جامعه بدون آن، مرده متحرک است.

۵. جامعه‌ای که این دو واجب الهی و عقلایی را رها کند، تحت استعمار، استثمار و استحمار دیگران، از هستی، استقلال و آزادی ساقط می‌شود.

۶. پس باید به وسیله زبان روح حیات را در اجتماع دمید، تا پویایی، تلاش، جوشش، رشد و کمال معنوی در انسان‌ها تحقق یابد.



(۴۰)

فصل دوازدهم:

زبان و اذان

یکی از عزت آفرینی‌های زبان، اذان گفتن است؛ شعاری که قرن‌هاست در سطح جهان طنین افکنده و شیرینی و عظمت و زیبایی خود را چون گل‌های با طراوت بهاری حفظ کرده است. انسان‌ها از بزرگ و کوچک می‌توانند، به وسیله آن به قرب الهی نایل آیند.

حضرت رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «يَحْتَشُرُ الْمُؤَدِّتُونَ مِنْ أُمَّتِي مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ؛^(۱) گویندگان اذان از اُمت من، با سه گروه: انبیای الهی و راستگویان و شهیدان [راه حق و فضیلت] محشور می‌شوند».

«إِنَّ الْمُؤَدِّتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَادَامَ فِي إِذَانِهِ كَسْتَهْدِي يَتَقَلَّبُ فِي دَمِهِ وَ يَشْهَدُ لَهُ بِذَلِكَ كُلِّ رَطْبٍ وَ بَابِ بَلَّغَ صَوْتُهُ وَ إِذَا مَاتَ مَا تَعَرَّضَتْهُ هَوَامُّ الْأَرْضِ فِي قَبْرِهِ؛^(۲) به درستی که اذان گوی در راه خدا تا زمانی که در حال اذان گفتن است، مثل شهیدی است که در خورش می‌غلند و هر تر و خشکی که صدای او را می‌شنود، گواه و شاهدهی برای او است و زمانی که مُرد و او را در قبر قرار دادند، جانوران زمین در قبر متعرض او نمی‌شوند».

حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام فرمود: «حَقُّ الْمُؤَدِّتِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُدَكِّرٌ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَاعٍ لَكَ إِلَى حَطِّكَ وَ عَوْنِكَ عَلَى قَضَاءِ قَرَضِ اللَّهِ عَلَيْكَ فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ لِلْمُحْسِنِينَ إِلَيْكَ؛^(۳) حق اذان‌گو این است که بدانی او یاد آور پروردگار توست و دعوت کننده تو به سوی بهره‌وری، و یاورت بر انجام آن

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷.

(۴۱)

چه خداوند بر تو واجب نموده است؛ پس از او تشکر کن شکرى که نیکوکاران به محضر تو دارند».

حضرت خاتم الأنبياء محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: «مَنْ أَجَابَ الْمُؤَدِّتَ وَ أَجَابَ الْعُلَمَاءَ كَانَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ لِيَوَائِي وَ يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ فِي جِوَارِي وَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَوَابٌ سِتِّينَ شَهِيدًا»^(۱) کسی که فرمان اذان گویان و عالمان را اجابت کند، [به نماز رود و به دانش آن‌ها لَبِيكْ عملی گوید] روز قیامت زیر پرچم و چتر من قرار دارد، و در بهشت، همسایه من است و برای او، ثواب شصت شهید را خواهند نوشت.»

نکات آموزنده

۱. گویندگان اذان از مصداق هدایت شدگان راه راست الهی هستند.

۲. مؤذنان در ردیف انبیا، شهیدان و راستگویان در آخرت قرار می‌گیرند.

۳. اذان نور الهی است.

۴. اذان موجب فرود آمدن ملائکه می‌شود.

۵. بدن اذان گو در برزخ متلاشی نشده، سالم می‌ماند.

۶. همه چیز برای او شاهد و گواه هستند.

۷. گویندگی اذان، انسان را به قربانی شدن و فضیلت جهاد و شهادت در راه خدا می‌رساند.

۸. اذان درمان اخلاقی است.

۹. اذان سازنده شهیدان است.

۱۰. مسلمانان برای رسیدن به جوار رحمت پیامبر الهی و مقام شهیدان باید با شنیدن اذان به مسجد و نماز جمعه و جماعت بشتابند.

۱. بحار الانوار، ج ۸۱.

(۴۲)

فصل سیزدهم:

زبان و صدقه

صدقه در فرهنگ دینی اسلام رافع و دافع بلاها و مصیبت‌هاست، پیشگیری و درمان بوسیله صدقه محقق می‌گردد، برای اینکه زبان از بلاها و مصیبت‌های دنیا و آخرت محفوظ بماند. باید صدقه آن را پرداخت نمود، که همان مهار و کنترل آن می‌باشد.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنَجِّجٌ؛ صدقه دارویی نجاتبخش می‌باشد».

حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ، ثُمَّ قَالَ: وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْأَيْمَانِ حَتَّى يَحْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ»^(۱) زبانت را نگاهدار؛ همانا این حفاظت زبان، صدقه‌ای است، که به خویشتن می‌دهی و جانت را حفظ می‌نمائی؛ سپس فرمود: انسان واقعیت ایمان را نمی‌شناسد؛ مگر این که از (بدیها و شرارت‌های) زبان حفظ شود؛ یعنی زبان را از گناهان و ضررها پاک نماید و آن چه به مصلحت دنیا و آخرتش است بگوید.

نکات آموزنده

۱. حفظ زبان از بدی‌ها، صدقه‌ای جاوید است، که دنیا و آخرت انسان را آباد می‌کند.

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۶، ح ۷.

(۴۳)

۲. چنان که صدقه مالی دافع و رافع بلاها و مصیبت‌ها است، حفظ زبان هم بلاها و مشکلات انسان را درمان و پیشگیری می‌نماید.

۳. نباید کاملاً سکوت کرد؛ بلکه باید از منافع زبان بهره گرفت.

۴. انسان باید، زبان را از گناهان و تخریب‌ها حفظ کند.

۵. دفع، یعنی قبل از آمدن بلا، مانع آن شود، و رفع، یعنی مشکل آمده، آن را با صدقه از بین ببرد، که همان پیشگیری و درمان است.

۶. جوهره ایمان فرد در گرو استفاده صحیح از، این نعمت بزرگ الهی است.



(۴۴)

فصل چهاردهم:

وحدت زبان

زبان باید وحدت روش داشته باشد. چنان که دورویی و دو گونه بودن، موجب نفاق می‌شود، زبان نیز اگر در ظاهر و پنهان، در غیاب و حضور، دو گونه عمل نماید، منافق بودن انسان را ثابت می‌کند که این از رذایل است. انسان مؤمن باید اندیشه و تفکرش با سخن و رفتارش هماهنگ باشد تا از صادقین محسوب گردد.

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ لَقِيَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِينَ وَلسَاتَيْنِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ تَارٍ»^(۱) کسی که با مسلمان‌ها با دو چهره و دو زبان برخورد کند، روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که برای او دو زبان از آتش است».

خداوند سبحان خطاب به حضرت عیسی علیه‌السلام فرمود: «يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ سَلِّمْ عَلَيَّ مِنْ تَحْتِ هَذِهِ السَّمَاءِ وَ مِنْ تَحْتِ هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي بِيَدِي خَلَقْتُهَا إِنَّكَ كُنْتَ تَكْفُرُ»^(۲) ای عیسی! زبان تو باید در پنهان و آشکار زبانی واحد و دل تو نیز واحد باشد. به درستی که من تو را از جانت می‌ترسانم و برای آگاه نمودن تو کافی هستم. مصلحت نیست که دو زبان در یک دهان و دو شمشیر در یک غلاف و دو دل در یک سینه و دو ذهن در وجود یک انسان

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۲.

۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۳.

(۴۵)

باشد».

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: «يُنْسَى الْعَبْدُ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُطْرَى أَخَاهُ شَاهِدًا يَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنْ أُتِيْلِيَ حَذَلَهُ»^(۱) بنده‌ای که دو چهره و دو زبان دارد، بد بنده‌ای است. در حضور، از او ستایش می‌کند و در غیاب او را می‌خورد. (غیبتش می‌نماید)، اگر به او عطا شود، حسادت می‌کند و اگر مبتلا شود، او را ذلیل می‌کند».

برای رسیدن به مقام بندگی الهی و بهترین بنده خدا شدن باید ظاهر و باطن انسان، سخن و عمل او وحدت جهت داشته باشد.

نکات آموزنده

۱. غیبت‌ها و تهمت‌ها، دروغ و اهانت‌ها و فحش‌ها عامل دو چهره شدن و یا چند گونه شدن انسان است.

۲. رفتار عملی زبان، روز قیامت در صحرای محشر تجسم می‌یابد.

۳. دو چهره و دو گونه بودن، یعنی منافق شدن، و سقوط در پستی‌ها بوسیله گناهان می‌باشد.

۴. دو رویان، تحمل رشد و بزرگی برادران خود را ندارند.

۵. بخل و حسادت در چهره این گونه افراد نمایان است.

۶. این انسان‌های دو چهره عذاب دنیایی و آخرتی را برای خود آماده می‌سازند.

۷. اینان، مورد انزجار و تنفر مردمنند.

۸. دو مظروف از جهت عقلی، وجدانی و عرفی در يك طرف قرار نمی‌گیرند و هر چیزی باید با ظرف حقیقی خودش متناسب باشد؛ به همین سبب، زبان در ظرف هدایتی خود باید در جهت اهداف آفریدگار جهان قرار

(۴۶)

گیرد.

۹. خداوند سبحان در حدیث قدسی، خطاب به پیامبر اولی العزم خود، به وحدت دل و عقل و اندیشه و زبان سفارش می‌کند.

۱۰. اگر همه وجود انسان يك آهنگ (إِتَاللَّهِ وَ إِتَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) می‌داشت، این قدر اختلاف و دوگانگی، تخریب، ضایعات، انحراف و سقوط به وجود نمی‌آمد.

۱۱. اگر همه وجود انسان يك رنگ الهی و دینی، عقلی و انسانی می‌داشت، بشر به کمال و عزت خویش دست می‌یافت: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»^(۱) چه رنگی بهتر از رنگ الهی وجود دارد؟



فصل پانزدهم:

پستی زبان

در نظام وجود خوبی‌ها آفریده شده، و اگر بدی وجود دارد، هدف به آن تعلق نگرفته، بلکه پستی‌ها نسبی است. حال اگر در هستی بدی باشد، اولاً در زبان می‌باشد. بعد در چیزهای دیگر، این دلیل بر آن است که منشأ بیشتر بدی‌ها زبان است.

حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّ كَانَ فِي شَيْءٍ شَوْمٌ قَفِيَ اللِّسَانِ»^(۱) اگر در چیزی از موجودات پستی باشد، پس در زبان است».

نکات آموزنده

۱. در جهان آفرینش نُحُوسَت و پستی نیست و اگر باشد در زبان است. لذا بدیها را اعمال و رفتار انسان ایجاد می‌کند.

۲. اگر زبان در جهات گوناگون مهار نشود، زشتی آفرین و عصیانگر است.

۳. در عالم هستی، بد مطلق وجود ندارد. ابعاد بدی و خوبی اشیا نسبی و دارای مراتب است. هدف آفرینش فقط جنبه مثبت موجودات بوده است و این انسان است که انگور را به شراب نجس و حرام تبدیل نموده، و می‌آشامد؛ در حالی که خداوند نعمت‌ها را عطا فرمود؛ تا انسان در جهت مصالح خویش به نحو مطلوب و صحیح استفاده نماید، نه اینکه آن‌ها را به نقت و عذاب و خشم الهی مبدل سازد.

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۸، ح ۱۷.

فصل شانزدهم:

انسان در گرو زبان

بیان و زبان که دو نعمت خداوندی برای تفهیم و تفهم است. وسیله سازندگی عظمت و آبروی انسانی در دنیا و آخرت می‌باشد. در گروهی موجب کمال و رشد و بالندگی می‌گردد، در بعضی دیگر وسیله سقوط در جهنم و عذاب الهی در دنیا و آخرت شده و تنفر و انزجار مردم را به دنبال دارد.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»^(۱) سخن بگویند، شناخته می‌شوید. همانا شخصیت حقیقی هر انسانی در زبانش نهفته است».

نکات آموزنده

۱. خوبی‌ها و بدی‌های شخصیت هر انسانی به وسیله زبان جلوه می‌کند.

۲. سخنان انسان، روشنگر جهل و علم اوست.

۳. صداقت و عدم صداقت انسان با زبان مشخص می‌شود.

۴. اعتقاد و ایمان هر فرد با سخنانش روشن می‌گردد.

۵. اگر زبان که ایجاد کننده لهو و لعب، فحش و فسق، دروغ و غیبت و تهمت است، مهار نشود، انسان را از هستی ساقط می‌نماید.

۶. زبان سازنده شخصیت حقیقی و حقوقی و شرافت انسانی است.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۲.

(۴۹)

فصل هفدهم:

زبان مذموم

زمانی که ضد ارزش‌ها در انسان رشد کرد، کاربرد اعضای کشور وجودی بشر تغییر می‌یابد، تا آنجا که زبان بدون توجه به عقل و وجدان سالم، بدون وحی و نبوت، در میدان سخن حضور می‌یابد، در اینجا انسان را از ارزش‌های وجودی ساقط می‌کند و در جهنم دنیا و آخرت گرفتار می‌نماید.

امیر بیان، حضرت علی علیه‌السلام در این باره سخنان حکیمانه‌ای دارد: «لِسَانُ الْجَاهِلِ الْخُرْقُ»^(۱) زبان نادانی، درستی و حماقت است».

«لِسَانُ الْجَاهِلِ مِفْتَاحُ حَنْفِهِ»^(۲) زبان جاهل کلید مرگ اوست؛ یعنی زبانش او را به کشتن می‌دهد.

« قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ»^(۳) قلب احمق در پشت زبان او است؛ یعنی زبانش مقدم بوده، بدون اندیشه و بی پروا سخن می‌گوید.

«وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ»^(۴) همانا قلب منافق، پشت زبان اوست». یعنی منافق بدون بررسی و تفکر صحبت می‌کند.

« إِنَّ الْمُنَافِقَ يَتَكَلَّمُ بِمَا آتَى عَلَى لِسَانِهِ لَا يَدْرِي مَاذَا لَهُ وَ مَاذَا عَلَيْهِ»^(۵) همانا

۱. غرر الحکم، ح ۱۱۵۸.

۲. همان، ح ۱۱۵۹.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۰.

۴. همان، خ ۱۷۶.

(۵۰)

منافق با آن چه بر زبانش جاری می‌شود، سخن می‌گوید، نمی‌داند، چه چیزی به نفع و ضررش می‌باشد».

نکات آموزنده

۱. منافقان و انسان‌های جاهل، سخنان خود را بدون تفکر آغاز نموده، مصلحت‌های نفسانی و شیطانی خود را بر همه حقایق، اسلام و مردم مقدم می‌دارند و سرانجام موجب نابودی و شکست خویش می‌گردند.

۲. انسان نباید هستی خود را از جهات مالی، جانی و آبرویی به وسیله سخنان بی‌جا و بی مورد به باد دهد.

۳. انسان‌های احمق، جاهل و منافق با زبان، خویشتن را به عاقبتی می‌کشانند که خود هم فکر نمی‌کردند.

۴. سخنان جاهلانهای که از روی نادانی و هوای نفس صادر شده، بدون بهره از عقل و ایمان می‌باشد.

(۵۱)

فصل هجدهم:

زبان ارزشمند

انسان همیشه دنبال ارزش‌های خویش جهت رشد و تکامل در دنیا و آخرت می‌باشد، فطرت و آفرینش او هم این طریق را تأیید می‌نماید، طریق کسب فضایل و کمالات زبان، همانا بکارگیری آن در جهت خداوند و آنچه در روایات بیان شده می‌باشد.

مولای عارفان حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «لِسَانُ الْعِلْمِ الصِّدْقُ»^(۱) زبان دانش راستی [و درستی] است».

«لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ»^(۲) زبان انسان عاقل [و مؤمن] پشت قلب اوست»؛ یعنی تا اندیشه و فکر نکند، سخن نمی‌گوید.

«إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ»^(۳) به درستی که زبان مؤمن پشت قلب اوست»؛ یعنی انسان با ایمان، قبل از سخن گفتن به عواقب آن می‌اندیشد.

«لَا يَنْتَهِ الْمُؤْمِنُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبَدَّهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَاوَّاهُ»^(۴) زیرا مؤمن زمانی که بخواهد سخن بگوید، در وجود خودش درباره آن اندیشه می‌کند. اگر در آن خیر بود، آغاز می‌نماید و اگر بد بود، رهاش می‌کند»؛ یعنی مؤمنین واقعی بدون اندیشه سخن نمی‌گویند.

نکات آموزنده

۱. سخن گفتن باید ثمربخش باشد؛ در غیر این صورت ترك آن لازم است.

۱. غرر الحکم، ح ۰۸۰۴ .

۲. همان، ح ۰۴۰۷۹ .

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ .

۴. همان .

(۵۲)

۲. زبان در سخن خویش باید از عقل و اندیشه فرمان ببرد.

۳. انسان با ایمان تا کلام خود را از جهت عقلی، وجدانی و عرفی، سیاسی و اجتماعی، بررسی نکند، سخن نمی‌گوید.

۴. علم و آگاهی و شناخت وسیله تربیت زبان در جهت کمالات انسانی است.

۵. انسان عالم عامل، صادق مؤمن، جز راه صداقت و راستی را در کاربرد عملی زبان نمی‌پوید.



(۵۳)

درندگی زبان

هرجا خوی درندگی و لجام گسیختگی باشد، افسار مهار برای حفظ از ضربه‌های جاهلانه لازم و قطعی است، چون در زبان استعداد جهات مثبت و منفی می‌باشد، باید آن را با عقل و ایمان هدایت نمود، تا پاسدار ارزش‌های انسانی باشد.

وصی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِعْلَمَنَّ أَنَّ اللِّسَانَ كَلْبٌ عَقُورٌ إِنْ خَلَّتِيتهُ عَقْرٌ»^(۱) بدان به درستی که زبان، سگ دندان‌گیر و حمله‌کننده‌ای است که اگر او را رها کنی، دندان می‌گیرد و پاره می‌کند».

نکات آموزنده

۱. زبان نیاز به مهار شدید دارد و اگر رها شود، تخریب و ضایعات بسیاری را برجای می‌گذارد.
۲. زخم زبان‌ها موجب آلودگی ارواح و عقول می‌شود، و ترمیم آن‌ها از جراحات بدن بسیار مشکل‌تر است.
۳. اگر انسان‌ها به این عضو مهم توجه کنند، ابعاد تأثیرگذاری آن را در جهات مثبت و منفی شناخته و عمل نمایند، زبان از مفاصل حفظ شده و انسانها بسیاری از کمالات را پیموده، به تقوای الهی می‌رسند.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۷.

(۵۴)

فصل بیستم:

زینت انسان

هر چیزی در عالم هستی، دارای جمال و زیبایی است. اما زینت انسان به رفتار و عمل زبان وابسته است، زیرا سخنان دلربای آن در دل‌ها و عقل‌ها نفوذ می‌نماید، همچون تلاوت قرآن با صوت زیبا، آهنگ نیایش مناجات‌گراں در محضر الهی، سخنان نجاتبخش انبیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام نشانگر این جمال جمیل است.

حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَلْجَمَاءُ فِي الرَّجُلِ أَلِّسَانٌ»^(۱) زبان زینت و زیبایی انسان است».

از سخنان حضرت امام علی علیه‌السلام که فرمود: «أَلْجَمَاءُ فِي اللِّسَانِ وَ الْكَمَالُ فِي الْعَقْلِ»^(۲) زیبایی در زبان و کمالات در عقل است».

۱. کنز العمال، ج ۴، ص ۵۱۶.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۰.

(۵۵)

نکات آموزنده

۱. زینت انسان در پرتو سخنان زیبای زبان است.

۲. رشد و تکامل و کرامت انسان در اندیشه و عقل او است.

۳. تمام زیبایی انسان در گرو گلاباران زبان او است که در معاشرت‌های عمومی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر بسیار زیادی در جذب مردم، آرامش جامعه و استحکام حکومت‌ها دارد.

۴. هر زیبایی و بزرگی، کرامت و کمال می‌خواهد، عظمت و عزت این زیبایی، زبانی است که به وسیله عقل هدایت می‌گردد.

۵. زمانی سخنان حکیمانه از زبان صادر می‌شود، که این عضو تحت مدیریت ایمان و عقل سخن بگوید.



(۵۶)

فصل بیست و یکم:

ارتباط زبان با دل و ایمان

حلقه‌های زنجیر در نظام هستی تحت تأثیر یکدیگرند.

دگر عضوها را نماند قرار

چو عضوی بدرد آورد روزگار

لذا باید کمال و رشد در عمل کرد زبان که از اعضای حساس و سرنوشت‌ساز کشور وجودی انسان است، محقق گردد، تا این موجود بوسیله اندیشه و عقل به کمالات و بالندگی خویش نایل گردد و همه اعضا از خیرات و برکات و رشد ایمانی انسان در همه جهات دنیایی و آخرتی بهره‌مند گردند.

حضرت رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَ لَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانَهُ»^(۱) ایمان بنده‌ای درست نمی‌گردد؛ مگر دل او پاک شود، و سلامت دل تحقق نمی‌یابد؛ جز این که زبانش راست و درست شود».

نکات آموزنده

۱. اعتقادات و باورهای انسان‌ها در گرو درستی دل و زبان آن‌ها است؛ زیرا آن چه زبان می‌گوید، باید قلب باور و قبول نماید، تا اعضای بدن آن را به مرحله اجرا در آورند.

۲. سلامت اندیشه و دل، انسان را به راه راست هدایت می‌کند؛ پس زبان باید تحت فرماندهی عقل و قلب سلیم عمل نماید، تا به عزت و افتخار

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۸.

(۵۷)

خویش دست یابد.

(۵۸)

فصل بیست و دوم:

عذاب زبان

نقش وجودی چیزهای در دنیا مختلف است، هر چه يك شی اثر وجودیش بیشتر باشد، اثرات تخریبی آن، همچنان وسیع‌تر خواهد بود. مثال: پایه‌های ساختمان، موتور ماشین، شاسی اتومبیل.

حال باید توجه داشت، اثرات وجودی زبان روی همه اعضای بدن مؤثر است، لذا مجازات و عذاب سخنان او روی همه جوارح انسانی مؤثر و آن‌ها را زیر شکنجه خویش قرار می‌دهد.

در سخنان گهر بار حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «يُعَذِّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ لَا يُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ الْجَوَارِحِ قَبْلُوقُلْ: أَكَى رَبِّ عَذَابِي بِعَذَابٍ لَمْ تُعَذِّبْ بِهِ شَيْئًا قَبْلُوقُلْ لَه: خَرَجَتْ مِنْكَ كَلِمَةٌ فَبَلَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا فَسُفِكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرَامُ وَأَنْتَهَبَ بِهَا الْمَالُ الْحَرَامَ وَانْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجُ الْحَرَامَ وَعِزَّتِي [وَجَلَالِي] لِأَنَّ عَذَابَكَ بِعَذَابٍ لَا أُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ الْجَوَارِحِ»^(۱) خداوند زبان را عذابی می‌کند که هیچ يك از اعضای بدن انسان را این گونه مجازات نکرده است. زبان می‌گوید، بله، ای پروردگار من! مرا به عذابی معذب ساختی که هیچ کدام را این گونه عذاب ننمودی؛ سپس [در پاسخ زبان] گفته می‌شود: ای زبان! سخنی از تو خارج شد و به [تمام جهان هستی از] مشرق تا مغرب عالم رسید؛ سپس با آن سخن [بی‌جا و ظالمانه] خون انسان‌های بی‌گناه ریخته

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۷.

(۵۹)

شد، و با آن، اموال محترم به غارت رفت، و به وسیله آن [سخن غیر عادلانه] آبروی انسان‌های محترم ریخته و هتک حرمت شد. به عزت و جلال سوگند تو را به عذابی، عذاب می‌کنم، که هیچ يك از اعضای بدن را به آن مجازات، گرفتار ننمودم.

نکات آموزنده

۱. وسعت ضایعات، تخریب، ضررهای جانی و مالی و آبرویی زبان به قدری زیاد است که جهان را فرا می‌گیرد.
۲. تمام اعضا در مخاطره زبان هستند.
۳. همه عزت و شوکت دنیا و آخرت انسان در گرو کاربرد زبان است.
۴. قسم‌های خداوند و حروف تأکید، مطلب را تا اوج بلندی اهمیت بالا می‌برد.
۵. بُرد عملیات زبان و گلوله باران او از تمام سلاح‌های پیشرفته، حتی از سلاح هسته‌ای قوی‌تر و هلاک‌کننده‌تر است، و دورترین نقاط عالم را بدون صدای مهیب، تخریب می‌کند.

(۶۰)

فصل بیست و سوم:

زبان و قساوت دل

محبت و مهربانی و عاطفه، روح انسانی را در سرای ظرافت خود حفظ می‌نماید، و اگر دل‌ها سخت گردد، انسان دوستی فراموش، ظلم و ستم به یکدیگر توسعه یافته، تعاون و همکاری محو می‌گردد.

پس انسان باید راهها و اسباب قساوت دل را رها نماید، تا به اوج سعادت خویش برسد.

از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «كَانَ الْمَسِيحُ يَقُولُ: لَا تَكْفُرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةٌ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱) حضرت عیسی علیه‌السلام می‌فرمود: در غیر ذکر الهی زیاد سخن نگویید؛ زیرا کسانی که در غیر یاد خدا بسیار سخن می‌گویند، دل‌هایشان سخت می‌شود [کلام حق در آن‌ها تأثیر نکرده و زود تسلیم آن نمی‌گردند] اما آن‌ها آگاه نیستند.»

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «لا تَكْثُرُوا الْكَلَامَ يَغْيِرُ ذِكْرُ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ يَغْيِرُ ذِكْرُ اللَّهِ تَقْسُو الْقَلْبَ إِنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ أَلْقَبُ الْقَاسِي»^(۱) نباید فراوان سخن بگویند. همانا فراوانی کلام به غیر ذکر الهی، دل را سخت می‌نماید. به طور قطع، دورترین مردم به خدا دل‌های سخت می‌باشد» یعنی کسی که دلش در مقابل حق نفوذ ناپذیر می‌باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۱.

۲. همان، ص ۲۸۱.

(۶۱)

نکات آموزنده

۱. سخن زیاد انسان را از واقعیت‌ها و پذیرش آن‌ها دور می‌کند.
۲. سخن زیاد غیر منطقی انسان را به گناه کشانده و خضوع و خشوع را از او سلب می‌نماید، و به قساوت دل مبتلا و از سلامت قلب باز می‌دارد.
۳. زبان باید رنگ الهی داشته باشد، تا انسان را به کمالات برساند.
۴. سخنان باید در جهت یاد و ذکر الهی باشد، تا انسان متوجه خدا گشته و به حقیقت دست یابد.
۵. حیات واقعی عقل و روح انسان در گرو سخن کم، حساب شده و منطقی است که با مدیریت عقل و ایمان از زبان صادر می‌شود.
۶. دل‌های مرده و سخت، حق و عدل را نمی‌پذیرند.
۷. حذر کن ز نادان ده مرده گوی
چو دانا یکی گوی و پرورده گوی

بوستان سعدی

(۶۲)

فصل بیست و چهارم:

زبان و بهتان

هرکسی مورد اتهام قرار گیرد، به شدت ناراحت گشته و در مقام انتقام و یا دفع آن حمله بر می‌آید، پس انسان‌ها برای زدودن این عیب از جامعه و مردم باید با کنترل زبان این عیب تنفرآمیز عمومی را ریشه کن نمایند، تا سعادت و پیروزی در جهات اخلاقی و سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم گردد.

راوی می‌گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «وَالْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ مَا لَيْسَ فِيهِ»^(۱) بهتان کلامی است که در باره شخصی [می‌گویی؛ ولی در او وجود ندارد].

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ أَيْمَانَ الْأَيْمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا تَيْمَأُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ»^(۲) زمانی که انسان مؤمن به برادر خود تهمت بزند، ایمان از دلش محو می‌شود؛ چنان که نمک در آب حل می‌گردد.

«مَنْ اتَّهَمَ أَخَاهُ فِي دِينِهِ فَلَا حُرْمَةَ بَيْنَهُمَا»^(۳) کسی به برادرش در دینش تهمت بزند، احترامی بین آن دو نخواهد بود.

انسان، زمانی که اعمال، چهره حقیقی او را تغییر می‌دهد در آفرینش مسخ می‌گردد و خبائثت‌های درونی و روحی به حقیقت ظاهری تبدیل می‌شود؛ بدین جهت، حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا لَيْسَ فِيهِ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي طِينَةِ خَبَالٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ، قُلْتُ: وَ مَا طِينَةٌ

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۶۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۶۶، ح ۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۶۱.

(۶۳)

الْخَبَالِ؟ قَالَ: صَدِيدٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ؛^(۱) کسی که زن و مرد مؤمنی را به آن چه در او نیست، متهم کند، خداوند او را در روز قیامت در آفرینش خبال مبعوث می‌نماید تا از آن چه گفته است، خارج شود. [توبه و بازگشت از سخنان بی جا]. پرسیده شد: خلقت خبال یعنی چه؟ فرمود: آلودگی‌ها و چرک‌هایی که از بدن زن‌های زناکار یا بدکاره خارج می‌گردد؛ یعنی حقیقت فرد با این عمل، به بدترین وضعیت تغییر می‌کند، بوی تعفن و زشتی سیرت و صورت او را فرا می‌گیرد، انزجار و نفرت همگانی را در پی دارد و همه از او گریزانند.

نکات آموزنده

۱- تهمت زدن به دیگران حقیقت انسان را تغییر می‌دهد.

۲- تهمت زدن، انسان را از بزرگی ساقط می‌نماید.

۳- بهتان به دیگران، موجب از میان رفتن ایمان می‌گردد.

۴- کسی که دیگران را متهم می‌نماید، مورد تنفر و انزجار خدا و مردم گردد.

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۶۱، ح ۵.

(۶۴)

فصل بیست و پنجم:

وسعت حملات زبان

فتنه انگیزی در جامعه و فرد دارای اثراتی است، هر موجودی از آفریده‌های الهی بویژه زبان، کاربرد فتنه و فساد هم دارد، انسان باید با عقل و اندیشه، ایمان و عمل، جهات اصلاح و سعادت، افتخار و سربلندی را انتخاب کرده، تا به کمالات انسانی و محبوبیت الهی و مردمی دست یابد.

حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَيْتَنَةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ صَرْبِ السَّيْفِ؛^(۱) فتنه [و فساد] زبان از [حملات و] ضربات شمشیر شدیدتر است».

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «حَدُّ السِّنَانِ يَقَطَعُ الْأَوْصَالَ وَ حَدُّ اللِّسَانِ يَقَطَعُ الْأَجَالَ؛^(۲) تیزی نیزه رگ‌ها را قطع می‌نماید و لبه تیز زبان عمر را از میان می‌برد». کنایه از این که عمر انسان را پایان می‌دهد.

نکات آموزنده

۱. زبان در حملات خودش بالاترین و سنگین‌ترین ضربات را می‌زند؛ تا آن جا که کشور، شهر، یا طایفه و یا خانواده‌ای را نابود می‌کند.

۲. زبان در قدرت نابودی جان‌ها و اموال در مسائل اقتصادی و ایمان در اعتقادات دینی از تمام بمب‌ها و موشک‌های قاره پیمای و لیزری قوی‌تر و تخریب عملیاتی آن بیش‌تر است.

۳. جراحات زبان از زخم شمشیر بدتر است. زیرا جراحات جسم به زودی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۰.

۲. غررالحکم .

(۶۵)

التیام می‌یابد ولی ارواح و عقول و اعتقادات اگر ترمیم هم بشود، با مشکلات و توبه و انابه بسیار محقق می‌گردد.

۴. ضربه زبان انسان را از اهداف باز می‌دارد و مرگ او را نزدیک می‌نماید.



(۶۶)

فصل بیست و ششم:

زبان و آسایش

همه مردم آسایش و راحتی را دوست داشته و از گرفتاری دل‌ها و دردهای نابجا دوری می‌گزینند، هر چیز و هر کسی بخواهد، برای انسان مشکلات ایجاد نماید، آسایش را از او بگیرد، با او مخالفت می‌نماید، امروز تحت عنوان امنیت و آسایش میلیاردها دلار بودجه خرج میلیون‌ها نیروی نظامی و سلاح‌ها می‌نمایند، اما باز هم بشر روی آسایش را نمی‌بیند، جهان باید برای رسیدن به آسایش ارزش‌های انسانی را عملاً زنده نماید. این مطلب مهم در گرو عملکرد صحیح زبان است.

در سخنان ارزشمند حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «رَاحَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَبْسِ اللِّسَانِ»^(۱) آسایش انسان در گرو مهار نمودن زبان است.»

نکات آموزنده

۱. آسایش دنیا و برزخ و دوزخ انسان در گرو مهار و سکوت زبان است.

۲. راحتی سیاسی و نظامی يك حکومت در حفظ اسرار، است که به مهار زبان مربوط می‌گردد.

۳. آرامش روحی و آبروی انسان مشروط به حفظ اسرار خانوادگی او است و آن در سایه مراقبت از سخنان زبان محقق می‌شود.

۴. حفظ و مهار و کنترل زبان، وظیفه عقلی، عرفی و دینی انسان‌ها است.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۰.

(۶۷)



فصل بیست و هفتم:

فصاحت زبان

در ادبیات هر زبانی، اشعار، متن‌ها، گزیده‌های ادبی بخاطر زیبایی و فصاحت آن‌ها به عنوان سرمایه میراث فرهنگی و افتخار ملت‌ها حفظ می‌شود. حال اگر زبان فصیح و زیبایی باشد، تمام سخنان صادره از آن به عنوان ذخیره فرهنگی نوشته شده، همراه با فیلم‌ها و نوارها و سی‌دی‌ها رایانه‌ای در مجموعه فرهنگی يك ملت نگهداری می‌گردد، حال باید از این نعمت خدادادی بیان و سخن قدرشناسی در جهت رضایت الهی نمود.

حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود: «دَلَاقَةُ اللِّسَانِ رَأْسُ الْمَالِ؛^(۱) زیبا سخن گفتن، سرمایه اصلی انسان است».

نکات آموزنده

۱. با زبان فصیح می‌توان دل‌ها را فتح کرد.
۲. انسان با سخنان زیبا می‌تواند، بهترین سرمایه‌ها را در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در خانواده و جهان جذب نماید.
۳. دوستی‌ها و دشمنی‌ها، عزت‌ها و ذلت‌ها همه زاینده رفتار عملی زبان است.
۴. اگر انسان در جامعه، هیچ‌گونه امکاناتی برای اداره زندگی خویش نداشته باشد. زبان و سخن زیبایی جذب کننده می‌تواند راه گشای او برای رسیدن به هر گونه امکاناتی باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۶.

فصل بیست و هشتم:

زبان و پشیمانی

بشر از داشتن اختیارات و مالکیت خوشحال و آن را کمالی برای خویشتن می‌داند، هم چنان انسان در اکثر اشتباهات پشیمان می‌گردد، که این خود يك موفقیت است، زیرا بیراهه را شناخته و از تکرار آن دوری می‌گزیند. حال؛ انسان برای رسیدن به هدف و مطلوب فطری خویش باید بوسیله عقل و ایمان، وجدان سالم حاکم و مالک زبان خویش باشد.

در فرمایشات حضرت امام علی علیه‌السلام آمده است: «إِعْلَمُوا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ لِسَانَهُ يَنْدَمْ؛^(۱) ای مردم! بدانید [و آگاه باشید] کسی که مالک زبانش نباشد، پشیمان می‌گردد».

نکات آموزنده

۱. در صورتی که زبان مهار نشود، انسان بی جا سخن گفته، ناراحت و شرم‌منده گشته، موجب پشیمانی می‌گردد.

که باز آرد پشیمانی

چرا عاقل کند کاری

۲. اگر انسان، کلمات خویش را در حال خشم و عصبانیت ضبط کند؛ سپس به آن گوش فرا دهد، روح ندامت در آن وجدان آرام و بیدار مشهود و زنده خواهد شد، اما باید توجه داشت، که کمالات از دست رفته را نمی‌توان بدست آورد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸۵.

(۷۰)

۳. زبان به مالک و حاکم نیاز دارد؛ به همین دلیل، خداوند عقل و شرع، وجدان سالم را بر آن حاکم نموده است. لذا کسانی که زبان را از تحت این حکومت خارج نموده‌اند، همیشه گرفتار آثار شوم و ذلت آفرینی‌های آن گشته‌اند.



(۷۱)

فصل بیست و نهم:

حقوق زبان

در دنیای امروز سازمان‌های عریض و طویل جهانی و کشوری، دنبال دفاع از حقوق حیوانات دریایی، زمینی و هوایی، گاهی هم انسان‌ها اگر به مصلحت آن‌ها باشند، لکن در نزد همه مردم جهان حمایت از حقوق انسانی و حیوانی مطلوب و نیکو است. حال که حق انسان باید رعایت شود، بر این موجود لازم است، با بهره‌گیری از عقل و شرع، حقوق اعضای بدن خویش، بویژه زبان را ادا نماید، تا به اهداف عالی آفرینش این عضو نایل گردد.

وجود مقدس سید الساجدین زین العابدین علیه‌السلام در بیانات خویش پنج حق را برای زبان بیان فرموده‌اند:

۱. فَأَكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى؛^(۱) اکرام نمودن زبان [حفظ کردن آن] از سخنان ناروا و زشت می‌باشد. یعنی محترم شمردن این عضو مهم بدن، مساوی با حفظ و مراقبت نمودنش از سخنی که با مسیر تقوای الهی سازگاری ندارد. ۲. وَ تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ؛^(۲) عادت دادن آن بر خوبیها. یعنی زبان را بر روش و رفتار و گفتار زیبا مزین نمودن، به گونه‌ای که سیره آن، عفت کلام و صحبت‌های ارزشمند و خداپسندانه باشد.

۳. وَ حَمَلُهُ عَلَى الْأَدَبِ؛^(۳) راهنمایی او در مسیر ادب. یعنی هدایت زبان و

۱. بحف العقول، ص ۲۶۲.

(۷۲)

کلام در طریق ادب و منطق، عقل و شریعت دینی تا در تمام زمینه‌ها و جهات، جاذبه آفرین و موجب کسب خیرات و برکات گردد.

۴. وَ إِجْمَامُهُ^(۱) إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ، وَ الْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛^(۲) بستن زبان مگر در موارد نیازمندی و منفعت‌های دین و دنیا. یعنی انسان نباید بدون هدف و نیاز سخن بگوید، این نوعی اسراف در کلام است؛ مگر این که سخنان زیبایی او عزت و سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند.

۵. وَ إِعْفَاؤُهُ عَنِ الْفُضُولِ الشَّنْعَةِ، الْقَلِيلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمِنُ صَرَرَهَا مَعَ قِلَّةِ عَائِدَتِهِ؛^(۳) دور کردن و حفظ زبان از سخنان زیادی پست کم‌فایده‌ای که انسان از ضررهای آن در امان نیست، با کم بودن ثمراتش.

امام علیه‌السلام در ادامه می‌فرماید: «و بَعْدُ شَاهِدُ الْعَقْلِ وَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِ وَ تَرْبُتُ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ؛^(۴) زبان، شاهد و راهنمای عقل محسوب می‌گردد، و زیبایی انسان عاقل به عقل اوست.»

«وَحُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^(۵) زیبایی باطن و درون انسان در زبان اوست و هیچ قدرتی جز تکیه به خداوند برتر و بزرگ نیست».

نکات آموزنده

۱. برای ادای حقوق زبان باید این نعمت بزرگ را در جهات و مواردی که آفریدگار آن رضایت دارد، به کار گرفت که در غیر این صورت، کفران نعمت

۱. لجام زدن به دهان اسب وسیله ایی برای کنترل اوست در اینجا برای مهار زبان از این تعبیر استفاده شده است.

۲. تحف العقول، ص ۲۶۲.

(۷۳)

است.

۲. احترام نمودن زبان، در گرو حفظ آن از کلمات ناموزون و بی موردی است که موجب گناه و ضایع شدن حقوق مردم می‌گردد.

۴. سخنان انسان باید دارای جاذبه و ثمرات عالی باشد.

۵. احترام اعضای بدن و کاربرد درست آن‌ها از حقوقی است که اگر مراعات نشود، مجازات دنیایی و آخرتی را در پی خواهد داشت.

۶. اعضای بدن، روز قیامت برای عدم مراعات حقوق آن‌ها از انسان شکایت می‌کنند.

۷. روش زبان باید در جهت خیرات و خوبی، ترک سخنان زیاده و ناروا باشد.

۸. قبل از هر سخن باید درباره منافع و ضررهای آن اندیشید، در صورت تقدّم مصلحت‌ها و اولویت‌ها، آن را برگزید.

۹. عزت و آبروی باطن و ظاهر انسان، در گرو سخنان ارزشمند زبان است.

۱۰. رشد عقلانی و بروز استعدادهای نهفته، در پرتو سخنان زبان قرار دارد.

۱۱. کنترل زبان، قدرت و توفیق الهی می‌خواهد. باید از او بخواهیم تا به ما توفیق بهره برداری صحیح، از این نعمت بزرگش را عطا فرماید.



(۷۴)

فصل سی ام:

سیره زبان

خوبی‌ها اگر در هر وجودی تبدیل به ملکه^(۱) نفسانی گردد، دیگر از دست داده نمی‌شود، زبان برای این که در سخنانش هر شب و هر روز موفق باشد، باید نیکو سخن گفتنش عادت قطعی گردد، تا بتواند انسان را با روش زیبا و خداپسندانه و مردم‌داری به سعادت و کمال برساند.

حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود: «عَدُو لِسَانِكَ حُسْنُ الْكَلَامِ تَأْمُنُ الْمَلَامَةَ»^(۲) زیانت را به سخنان خوب عادت بده تا از سرزنش‌ها در امان باشی».

«عَدُو لِسَاتِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلِ السَّلَامِ يَكْتُرُ مَجْبُوكٌ وَ يَقِلُّ مُبِعْصُوكٌ»^(۷۵) زبانت را به نرمی سخن و سلام کردن عادت ده تا با این اعمال [دوستانت زیاد و دشمنانت کم شود].

۱. کسی که بدون توجه خاص، حتی وقتی که چشمش بسته است. ماشین نویسی می‌کند، این هنر ملکه او شده است.

۲. غررالحکم، ح ۱۸۸.

۳. همان.

(۷۵)

نکات آموزنده

۱. عادت کردن به خوبی‌ها، موجب ملکه شدن حسنات در نفس انسان می‌شود.
۲. خوبی سخن، ارواح و جان‌ها را فتح نموده، انسان را در دل‌ها جای می‌دهد.
۳. سلام کننده برای مخاطب تواضع و احترامی خاص قایل می‌شود.
۴. خشونت‌ها و اهانت‌ها را باید در سخن گفتن به صفا و محبت و زیبایی تبدیل کرد.
۵. نرمی کلام که در مقابلش خشونت در سخن است و هم چنین سلام کردن که در مقابل آن بخل و تکبر می‌باشد، موجب زیاد شدن دوستان و کاهش یافتن حیل‌مگران، کم نمودن کینه توزان و ناراحت شونده‌گان و دشمنان می‌گردد.



(۷۶)

فصل سی و یکم:

بسیاری دوستان

انسان در ذات خود، خواهان دوستی مردم با خودش می‌باشد، در صورت دشمنی مردم ناراحت و از این حالت متنفر و بیزار است، حال باید روش ارتباط دوستی بیشتر مردم و جذب آن‌ها را در روش و منش معاشرت خانوادگی و اجتماعی عمل نمود، تا به مطلوب که بسیار شدن هواداران و دوستان می‌باشد، نایل آمد. خمینی بزرگ در این قرن چگونه میلیون‌ها طرفدار و دوست بدست آورد، که جان‌ها را فدای تحقق آرمان‌ها و پیام‌های او نمودند؟

در بیانات گهربار حضرت امام علی علیه‌السلام است که «مَنْ عَدَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ»^(۱) کسی که زبانش را عذاب کند، برادرانش زیاد می‌شود.»

نکات آموزنده

۱. مهار زبان و سکوت آن جهاد اکبر است. زیرا از مصداق‌های مبارزه با خواسته‌های نفسانی است.
۲. حفظ زبان از بدی‌ها موجب محبوبیت در میان مردم و زیاد شدن حامیان و یاوران انسان می‌گردد.
۳. کنترل زبان، در جهات مختلف اخلاقی، سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و دینی، عامل کم شدن سرزنش انسان و دشمنان او می‌گردد.

فصل سی و دوم:

راه نجات

همه انسان‌ها در کار فردی و اجتماعی دنبال یافتن راه نجات می‌باشند، اما در شناسایی مصداقهای واقعی آن اختلاف دارند، ولی همه جویای این مسیر می‌باشند، بنظر می‌رسد، اگر معیار و ملاک شناخت این راه را به عقل و شرع بسپارند، با کسب فیض از آن‌ها مسیر را شناخته و عمل نمایند، اتفاق و اتحاد جهانی در انتخاب راه نجات بشریت محقق خواهد شد، در اینجا انسان‌ها سیمای پیروزی و امنیت و نجات عموم بشر را از سلطه ظلم و بی عدالتی خواهند یافت، اما یکی از راههای نجات انسان کنترل زبان از سخنان بی‌جاست.

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بِحَاثَةِ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ اللِّسَانِ»^(۱) نجات انسان با ایمان [در دنیا و آخرت، بلکه در تمام مراحل زندگی و در تمام ابعاد روحی و جسمی، علمی و سیاسی] در حفظ زبان است.

نکات آموزنده

عیب و هنرش نهفته باشد

۱. تا مرد سخن نگفته باشد

۲. نجات انسان با ایمان در تمام ابعاد اقتصادی و فرهنگی، حکومتی و سیاسی، دنیایی و آخرتی، برزخ و دوزخ، در سایه حفظ زبان از خطاها و گناهان است.

۳. مؤمنین باید با بهره‌گیری صحیح از زبان، نجاتبخش خویش و نجات دهنده دیگران از مفساد و گناهان باشند.



فصل سی و سوم:

کلید خوبی‌ها و بدی‌ها

شناخت ملاک و میزان خوبی‌ها و بدی‌ها وظیفه نجاتبخشی انسان است، تا حق را از باطل جدا نماید. سعادت این موجود در گرو اجتناب از بدیها و عمل نمودن به خوبیهایی می‌باشد، که عقل و شرع نیکو بودن و زشتی آنها را تأیید می‌نماید، حال باید مردم با در دست داشتن کلید خوبیها و بدیها، ایمان و عمل صالح، راه ترقی و عزت خویش را دنبال نمایند.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ، فَيَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى دَهَبِهِ وَ فَضِيَّتِهِ»^(۱)؛ بدینست که این زبان کلید همه خوبیها و بدیهاست، پس برای مؤمن سزاوار است، بر زبانش مهر زند، (یعنی سخن نگوید) مثل این که طلا و نقره‌اش را مهر می‌زند.

ابی بصیر از اصحاب اجماع می‌گوید، از حضرت امام باقر علیه‌السلام شنیدم که ابوذر غفاری رحمة الله فرمود: «بَا مُبْتَغَى الْعِلْمِ إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَ مِفْتَاحُ شَرٍّ. فَاحْتَمِ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَحْتَمِ عَلَى دَهْرِكَ وَ وَرَقِكَ»^(۲) ای دانش بژوه! ای کسی که در پی دانش و معرفت می‌روی، به درستی که این زبان، کلید خوبی و بدی است؛ پس زبانت را مهر بزن؛ چنان که بر طلاها و صفحه‌های کاغذت مهر می‌زنی».

نکات آموزنده

۱. تحف العقول، ص ۲۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۱؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۶، ح ۱۰.

(۸۰)

۱. مقام ابوذر غفاری و سخنانش چقدر بالاست، که امام معصوم علیه‌السلام از او نقل کلام می‌نماید.

۲. گشایش هر دربی، با کلید میسر است، زبان کلید درب ورودی انسان به خوبی‌ها یا بدی‌های دنیا و آخرت است؛ پس دقت و سعی کنیم، تا از این عضو مهم بدن، برای رسیدن به کمالات انسانی بهره کافی و وافی ببریم.

۳. همه مردم باید به پیروزی‌های زبان و شکست‌های آن نهایت توجه را نموده و آن را مهار کنند، تا به سعادت‌ها و کرامت‌های انسانی نایل شوند.



(۸۱)

فصل سی و چهارم:

نقش زبان

هر عضوی از بدن چون سربازان يك کشور وظایف فردی و اجتماعی دارند. وظایف اجتماعی در ارتباط با کارهای یکدیگر است. لذا زبان بعنوان سرباز کشور وجود انسان تکالیف و اموری را بر عهده دارد، زبان در انجام وظیفه باید منافع همه اعضاء بدن را ملاحظه نماید. تا حقوق آنها ضایع نگردد. بلکه همه را در جهت عزت و افتخار انسانی پیروز و موفق گرداند. که انجام صحیح آن‌ها موجب عمران و آبادی آن کشور در جهت سعادهای دنیایی و آخرتی انسان می‌گردد.

حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ فِي الْإِنْسَانِ عَشْرَ خِصَالٍ يُطَهِّرُهَا لِسَانُهُ؛ همانا در انسان ده صفت است که زبان آن‌ها را اظهار می‌کند:

۱. «شَاهِدٌ يُخَيِّرُ عَنِ الضَّمِيرِ؛ زبان شاهدهی است که از باطن انسان خبر می‌دهد و وجود انسان را معرفی می‌کند».

۲. «وَ حَاكِمٌ يَفْصِلُ بَيْنَ الْخِطَابِ؛ زبان، حاکمی است که بین افراد و دشمن‌ها حکم نموده، و مسایل و اختلافات را حل می‌نماید».

۳. «وَ نَاطِقٌ بَرِّدٌ يَهْدِي إِلَى الْجَوَابِ؛ زبان، گوینده‌ای است که به وسیله آن جواب‌ها داده می‌شود».

۴. «وَ شَافِعٌ تَدْرُكُ بِهِ الْحَاجَةَ؛ زبان، شفاعت کننده‌ای است که حاجت انسان به وسیله آن بر آورده می‌گردد».

۵. «وَ وَاصِفٌ تَعْرِفُ بِهِ الْأَشْيَاءَ؛ زبان، وصف کننده‌ای است که هر چیزی

(۸۲)

با آن شناخته و از ابهام خارج می‌شود».

۶. «وَأَمِيرٌ يَأْمُرُ بِالْحُسْنِ؛ زبان، فرمانده‌ای است که به نیکی‌ها امر می‌نماید».

۷. «وَإِعْظَمُ يَنْهَى عَنِ الْقَبِيحِ؛ زبان، موعظه‌کننده‌ای است که انسان را از زشتی‌ها باز می‌دارد».

۸. «وَمُعِزٌّ تَسْكُنُ بِهِ الْأَحْزَانُ؛ زبان، تسلیت‌گوینده‌ای است که غم و غصه‌ها به وسیله آن آرامش پیدا می‌کند».

۹. «وَحَامِدٌ تَجَلَّى بِهِ الضَّعَائِنُ؛ زبان، ستایشگری است که کینه‌ها به وسیله آن آشکار می‌شود».

۱۰. «وَمُؤْنِقٌ يُلْهِى الْأَسْمَاعُ؛^(۱) زبان شاد و مسرور کننده‌ای است که گوش‌ها از آن لذت می‌برند».

نکات آموزنده

۱. زبان عضوی است که در همه امور زندگی بشر دخالت می‌کند، از جزئیات زندگی فرد و خانواده گرفته تا حکومت و اداره مملکت، جنگ و صلح، مسایل اقتصادی و سیاسی را متحول می‌سازد.

۲. تفهیم و تفهّم، تعلیم و تعلّم با تمام فضیلت‌های آن به وسیله این نعمت بزرگ الهی محقّق می‌شود.

۳. بیستی و زشتی‌ها به وسیله زبان بیان می‌گردد.

۴. انسان‌ها به وسیله زبان نهی از بدی‌ها و به سوی خوبی‌ها امر می‌شوند.

۵. زبان، وسیله اظهار درون و بیان حق و باطل است.

۶. سخنان زبان برای فرد و جامعه، از تمام داروهای جهان، آرام‌بخش‌تر است.

۷. سنگین‌ترین دشمنی‌ها و جنگ‌ها به وسیله مذاکرات زبان به دوستی و

۱. بحف العقول، ج ۸، ص ۲۰.

محبت و صفا تبدیل می‌گردد.

۸. حدود الهی به وسیله حاکمیت زبان، زنده می‌گردد.

۹. بوسیله زبان حقوق فرد و جامعه ادا می‌شود.

۱۰. بوسیله عمل کردن زبان انسان به مقامات دنیائی و آخرتی نایل می‌گردد.

۱۱. رشد شناخت و شعور انسان، بوسیله زبان محقّق می‌شود.

۱۲. غم و غصه‌ها با کلمات زیبای زبان تبدیل به شادی و سرور می‌گردد.

۱۳. زبان در مباحثات علمی و استدلالی موجب شکوفائی اندیشه‌ها می‌شود.

۱۴. سلامتی و خوشحالی تمام اعضای بدن در گرو دلربایی زبان است.

۱۵. زبان کلید روزی است.

(۸۴)

فصل سی و پنجم:

زبان، سرچشمه بلاها

انسان برای سلامتی خویش باید پیشگیری‌های لازم را اجرا نماید، تا روح و جسم را در امنیت و آسایش قرار دهد، همگان سلامتی را دوست داشته و جهت آن هزینه‌های سنگینی را می‌پردازند.

اما مهم آن است که حکومت‌ها، دولت‌ها و ملت‌ها باید نقش اصلی سلامتی بشر را بررسی نمایند، سپس بودجه‌ها و برنامه‌ها را جهت درمان و پیشگیری صرف نمایند.

حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «بَلَاءُ الْإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ»^(۱) بلا و مصیبت انسان از زبان است.

حضرت علی ابن ابیطالب علیه‌السلام فرمود: «لَا يَسْلِمُ أَحَدٌ مِنَ الدُّنُوبِ حَتَّى يَخْرَجَ مِنْ لِسَانِهِ»^(۲) کسی از (خطر و اثرات) گناهان سالم نمی‌ماند، تا این که از (شرارت‌های) زبانش حفظ شود.

نکات آموزنده

۱. برای جلوگیری از بلاها، باید زبان را کنترل کرد.

۲. بیش‌تر گرفتاری‌های انسان، (از جمله مریضی‌های روحی و جسمی، کینه‌توزی‌ها و حسادت‌ها، نفاق‌ها و جنگِ اعصاب، از سخنان بی‌جا و ناروا

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۸.

(۸۵)

سرچشمه می‌گیرد.

۳. امنیت که مهم‌ترین نعمت بشری است، بوسیله زبان نابود می‌گردد.

(۸۶)

فصل سی و ششم:

بهترین سرمایه انسان

زبان راستگو، اندیشه صحیح، صداقت و پاکی انسان در زندگی اجتماعی و فردی اساسی‌ترین سرمایه اقتصادی و معنوی انسان است، مردم در معاملات اقتصادی و بیان اعتقادات دینی به زبان راستگو اعتماد نموده، سخنان او را می‌پذیرند.

حضرت امام علی علیه السلام فرمود: «وَلِسَانُ الصَّادِقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرًا لَهُ مِنَ الْمَالِ بَرِيئَةً غَيْرَةً»^(۱) همانا خداوند، زبان راستگو را برای انسان در میان مردم بهتر از اموالی قرار می‌دهد که از او ارث می‌برند».

نکات آموزنده

۱. منافع زبان بیشتر از اموال است؛ زیرا زبان حافظ و جذب کننده سرمایه‌های مادی و معنوی است.
۲. آثار خوب زبان، همیشه جاودانه می‌ماند. اما ثروت‌ها نابود می‌شود.
۳. زبان زیبا در انسان موجب یادآوری او به خیرات و خوبی‌ها می‌گردد.
۴. سخنان انسان، اگر برای خدا شد، جاودانه می‌ماند مثل بسیاری از کتاب‌های علمای الهی که در طول قرن‌ها دانشمندان و مردم از آن‌ها بهره می‌برند.
۵. خداوند سبحان زبان راستگو را در تکوین، بالاتر از دارایی‌های مادی قرار داده است.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۴.

(۸۷)

فصل سی و هفتم:

سرچشمه گناهان

آب اگر از چشمه خویش گل آلود گردد، بسیار خطرناک می‌باشد، اما راه چاره و رفع این عیب برنامه اساسی لازم دارد، زبان هم عضوی است که سخنانش همه اعضای کشور وجودی انسان را زیبا جلوه می‌دهد، یا این که همه را دچار ضعف، عذاب دنیا و آخرت می‌نماید، پس اصلاح و کنترلش باید از مهترین برنامه‌های انسان باشد.

در سخنان گرانسنگ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آمده است: «إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا إِبْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ»^(۱) بیشترین اشتباهات فرزندان آدم، در زبان او است».

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقُّ بِطَوْلِ السَّجِّينِ مِنَ اللِّسَانِ»^(۲) چیزی برای طولانی بودن زندان سزوارتر از زبان نمی‌باشد».

نکات آموزنده

۱. سرچشمه بیشتر گناهان زبان می‌باشد.
۲. سبب گناهان را باید در کنترل نکردن زبان جستجو نمود.
۳. زبان باید زندانی شود تا آزادانه برای انسان مشکل آفرینی نکند.

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۷.

(۸۸)

اثر لغزش زبان

اثر ضایعات و ضررها، اشتباهات و خطاها، گناهان و جهلها، مراتب مختلفی دارند، زبان در لغزشش تیزترین سلاح سردی است که روح و روان؛ جانها و اموال، مسائل فرهنگی و اعتقادی را تخریب و تحت و تأثیر خود قرار می‌دهد. حال که این گونه مؤثر است، باید با ظرافت عقل و شرع، وجدان سالم و دقت خاص، سخنان زبان کنترل و مهار گردد.

حضرت امام علی علیه السلام فرمود: «زَلَّةُ اللِّسَانِ أَتٰكِي مِنْ إِصَابَةِ السَّنَانِ»^(۱) لغزش زبان، از اصابت سرنیزه کشنده‌تر است».

«زَلَّةُ اللِّسَانِ تَأْتِي عَلَى الْإِنْسَانِ»^(۲) لغزش‌های زبان برضد انسان می‌آید.»؛ یعنی ضرر دنیایی و آخرتی دارد.

«زَلَّةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ هَلَاكٍ»^(۳) لغزش زبان، شدیدترین نابودی است».

نکات آموزنده

۱. زخم زبان؛ دل‌ها و ارواح را به شدت مجروح می‌کند.
۲. زخم زبان؛ صفا و صمیمیت و برادری رابه هم می‌ریزد.
۳. چو طوطی، سخنگوی نادان می‌باش.
۴. زخم‌های جسمی قابل ترمیم است؛ اما جراحات‌های زبان، گاهی تا

۱. غررالحکم، ح ۴۱۹۱.

۲. همان، ح ۴۱۹۸.

۳. همان، ح ۴۱۹۹.

(۸۹)

آخر عمر فراموش نمی‌گردد، بلکه در آخرت اثر واقعی آن در عذاب الهی جلوه مینماید.

۵. عملیات زبان بر علیه انسان گاهی موجب مرگ ناگهانی هم می‌شود، چون خبرهای بسیار هیجان کننده.

۶. حملات و اشتباهات و لغزش‌های زبان از جهات سیاسی، اعتقادی، اقتصادی، دنیایی و آخرتی، روحی و جسمی بر ضد انسان و جامعه است.



(۹۰)

زبان، عامل خون‌ریزی

جنگ هایی که در جهان موجب خونریزی گشته و انسان ها را به هلاکت می‌رساند، گاهی سبب سخنانی است، که توسط زبان بدون اندیشه، صادر گردیده است. این ضایعاتی که قابل جبران نیست، برای پیشگیری از آن باید بهترین راهها را جهت کنترل و مهار زبان انتخاب نمود.

در بیانات حضرت امام علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «كَمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَهْلَكَهُ لِسَانٌ»^(۱) چه بسا انسان هایی که زبان، آن ها را نابود کرده است».

حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «كَمْ مِنْ دَمٍ سَفَكَهُ قَمٌّ»^(۲) چه بسا خون هایی که دهان آن را ریخته است».

در اینجا مراد زبانی است که در دهان جای دارد و سخنان از آن خارج می‌گردد، گاهی موجب گلباران جامعه، فرد و خانواده می‌شود و گاهی سبب خونریزی و ظلم می‌گردد.

نکات آموزنده

۱. چه بسا در طول تاریخ، زبان عامل جنگ‌ها و فتنه هایی شده، که موجب کشته شدن و خون ریزی، ظلم و ستم به انسان ها گردیده است.

۲. عامل اصلی آشوب‌ها و اختلافات طایفه‌ای و کشوری از جهت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زبان است.

۱. غررالحکم، ح ۴۱۵۹.

۲. همان، ۴۱۵۸.

(۹۱)

۳. عامل جنگ قبيله اوس و خزرج در مدینه (در طول يك قرن) زبان و سخن چینی بود.

(۹۲)

فصل چهارم:

جهاد زبان

در فرهنگ همه ملت‌ها تلاش و کوشش در بازسازی نفس وجود انسان، هم چنین جهاد برای حفظ اموال و جانها، کشورها و ملت‌ها يك اصل اساسی است، که دارای قانون، بودجه، برنامه‌ریزی‌های وسیع کوتاه مدت و دراز مدت می‌باشد، این جهاد که در فرهنگ دینی از ارزش‌های انسانی شمرده می‌شود، به دو قسم جهاد کوچک و بزرگ تقسیم می‌گردد، و هر دو قسم جهاد اکبر و اصغر جایگاه ویژه دارد، آیات و روایات بسیاری در فرهنگ اسلام مطرح است، حال عرض می‌کنیم، یکی از ابزار مهم این جهاد در جهت رشد فرهنگی جامعه زبان است، که با آن امر به معروف و نهی از منکر، بیان احکام و آیات، اصول و فروع دین، خلاصه ترویج فرهنگ وحی الهی محقق می‌گردد. لذا جایگاه زبان بسیار رفیع و بلند است.

در وصیت‌نامه حضرت امام علی علیه‌السلام آمده است: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ»^(۱) قسم به خدا، قسم به خدا؛ در مورد جهاد با اموالتان و جان‌هایتان و زبان‌هایتان».

نکات آموزنده

۱. زبان نقش بسیار تعیین کننده و مهمی در جهاد و زنده کردن جامعه و نجات از مردگی و بی تفاوتی دارد.

۲. اعلان رسالت انبیای الهی و امامان هدایت علیهم السلام و شهیدان راه حق و فضیلت، در گرو بیان و زبان گویای آن‌ها بوده است.
۳. پیام رسانی خون شهیدان کربلا به وسیله امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام با زبان محقق شد.
۴. از بالاترین جهادها و شهادت‌ها و شجاعت‌های زبان، پیام رسانی خونین کربلائیان و عاشورا ئیان در طول تاریخ است.
۵. در تاریخ، زبان‌هایی چون زبان مالک اشتر از شمشیرها برای تبلیغ از اسلام، بیان قرآن و حق، مفیدتر و مؤثرتر بوده است.
۶. از زبان که بهترین نعمت است، باید در جهت عزت دنیا و آخرت خود به‌رهمند شد، به وسیله آن، حقایق را بیان، از حق و عدل دفاع، از دشمنان دین اعلان برانگت نمود.
۷. در وصیت حضرت بعد از بیان جهاد با جان، جهاد با زبان مطرح شده است، این دلیل بر جایگاه حساس این عضو در مسیر جهاد فی سبیل الله است.

یارها! حمد و سپاس تو را به جای می‌آوریم که به ما توفیق دادی آیات و روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام را در این موضوع بررسی کنیم.

ما را در مسیر عمل به آنها موفق فرما. زبان ما را در جهت محبت و رضای خود قرار بده. شیطان را بر دل ما مسلط مفرما. جامعه ما را از همه مفاسد، به ویژه گناهی که عاملش زبان است، پاک و منزّه فرما. خدایا! روح امام راحل خمینی کبیر و همه عالمان و شهیدان و استادان و روح پدر این حقیر را با ارواح شهیدان و انبیا محشور فرما. آمین یا رب العالمین

«فهرست منشورات»

- ۴۱- نفس انسان حرم الهی (چاپ دوم) ... احسان زاهری
- ۴۲- جایگاه علماء در غیبت کبری (چاپ دوم) ... احسان زاهری
- ۴۳- عروج و سقوط سخن (چاپ دوم) ... احسان زاهری
- ۴۴- قرآن معجزه جاوید اسلام (چاپ دوم) ... احسان زاهری
- ۴۵- آزادی از منظر امام (ره) ... احسان زاهری
- ۴۶- اندیشه‌های حسینی (چاپ دوم) ... احسان زاهری
- ۴۷- نجوای عارفانه ... احسان زاهری
- ۴۸- نجوای عاشقانه ... احسان زاهری
- ۴۹- کدام راه، کدام بهار، کدام قله (چاپ دوم) ... امیر عباس مهندس
- ۵۰- برسد به دست دختر شاه پریون (چاپ دوم) ... امیر عباس مهندس

۵۱- زمزمه عاشقانه... امیر عباس مهندس

۵۲- لمعة من بلاغة الحسين... آية الله سيد مصطفى الاعداد

۵۳- ريحانه بهشت... جعفر رسول زاده (اشقته)، رضا عرب

۵۴- كربلا در كربلا (چاپ دوم)... جعفر رسول زاده (اشقته)

«فهرست منشورات (در دست چاپ)»

۵۵- مجموعه دعاها نجوای عشق... (احسان زاہری، ۲۵۶ص، ۲۱ جیبی، ۳۵۰ت)

۵۶- اندیشه‌های رضوی... (احسان زاہری، ۲۲۴ صفحه، رقی، ۹۰۰ت)

۵۷- چهل گل از بوستان علوی... (احسان زاہری، ۶۴ صفحه، جیبی، ۲۰۰ت)

۵۸- چهل گل از بوستان نبوی... (احسان زاہری، ۶۴ صفحه، جیبی، ۲۰۰ت)

۵۹- چهل گل از بوستان رضوی... (احسان زاہری، ۶۴ صفحه، جیبی، ۲۰۰ت)

۶۰- چهل گل از بوستان حسینی... (احسان زاہری، ۶۴ صفحه، جیبی، ۲۰۰ت)

۶۱- چهل گل از بوستان خاندان رسالت (خانواده)... (احسان زاہری، ۶۴ صفحه، جیبی، ۲۰۰ت)

۶۲- چهل گل از بوستان خاندان رسالت (عظمت حسینی)... (احسان زاہری، ۶۴ صفحه، جیبی، ۲۰۰ت)

(۹۵)

۶۳- آهنگ عزا... (جعفر رسول زاده، ۱۹۲ صفحه، رقی، ۸۰۰ت)

۶۴- غزلیات فیض کاشانی (جیبی و وزیری)... (جعفر رسول زاده، ۲۵۶ صفحه)

۶۵- تولای علی (ع)... (افشین عاطفی، جعفر رسول زاده، ۲۲۴ صفحه، رقی، ۹۰۰ت)

۶۶- جمعه سبز انتظار... (جعفر رسول زاده، ۲۰۸ صفحه، رقی، ۸۵۰ت)

۶۷- نیلوفر و مهتاب... (امیر عباس مهندس، ۹۶ صفحه، رقی، ۴۰۰ت)

۶۸- تنهاتو بخوان محبوب من... (امیر عباس مهندس، ۹۶ صفحه، جیبی، ۳۵۰ت)

۶۹- پریشان گویی‌های در باد... (امیر عباس مهندس، ۸۰، رقی، ۴۰۰ت)

۷۰- سلام بر حضرت محبوب... (امیر عباس مهندس، ۹۶ صفحه، جیبی، ۳۵۰ت)

۷۱- مثنوی مجلس افروز (جیبی و وزیری)... (فضل‌علی نصرآبادی کاشانی)

۷۲- عشق ناتمام... (فریدون بلوری، ۲۵۶ صفحه، وزیری،)

۷۳- مجموعه شعر غروب... (نورالله نوری، ۶۴ صفحه، رقی، ۳۵۰ت)

(۹۶)

(۹۷)